



## فهرست مطالب

|                                                                                       |    |
|---------------------------------------------------------------------------------------|----|
| ماهیت «دادگاه‌های بین‌المللی» و محاکمه دیکتاتورهای حاکم بر ایران!.....                | ۲  |
| اقدام تروریستی با مشارکت اسرائیل و آمریکا .....                                       | ۳  |
| «محسن فخری‌زاده»، دانشمند هسته‌ای ایران ترور شد .....                                 | ۴  |
| در حاشیه تخریب آلونک یک زن زحمتکش .....                                               | ۵  |
| هزینه سرسام‌آور انتخابات نشان می‌دهد این «دمکراسی» متعلق به کدام طبقه است .....       | ۶  |
| سخنی کوتاه درباره «دیگو مارادونا»، اسطوره فوتبال جهان .....                           | ۷  |
| در جبهه نبرد طبقاتی .....                                                             | ۸  |
| «محمد حبیبی»، زندانی سیاسی آزاد شد .....                                              | ۱۵ |
| یک سال پس از آبان .....                                                               | ۱۶ |
| برگی در تاریخ .....                                                                   | ۱۷ |
| به مناسبت سی و پنجمین سالگرد تیرباران رفیق «محمد رضا کسائی» .....                     | ۱۸ |
| پیشرفت «جهان متمدن» غرب بدون میکیدن خون «جهان وحشی» شرق ممکن نبود .....               | ۱۸ |
| در حاشیه غرق شدن قایق پناهندگان ایرانی و اشک تمساح ممالک امپریالیستی .....            | ۱۹ |
| ریاکاری دولت فرانسه به بهانه «آزادی بیان» .....                                       | ۲۰ |
| سیاست خارجی «جو بایدن» .....                                                          | ۲۱ |
| موضوع ناگزیری جنگ‌ها بین کشورهای سرمایه‌داری .....                                    | ۲۲ |
| مورالس مجدداً رهبری «حزب سوسیالیست بولیوی» را برعهده گرفت .....                       | ۲۴ |
| شیوه «رمه‌ای» سوئد در مقابله با «کوید ۱۹» شکست خورده است .....                        | ۲۵ |
| یادی از «احمد کایا»، خواننده انقلابی اهل ترکیه .....                                  | ۲۶ |
| اجرای حکم بربرمنشانه شلاق، شرم‌آور است و بی‌پاسخ نمی‌ماند .....                       | ۲۷ |
| یمن .....                                                                             | ۲۸ |
| ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده .....                                           | ۲۹ |
| متأسفانه باز هم سوسیال دمکرات‌ها جهت نجات «نظام وال استریتی» به پیش خوانده شدند ..... | ۳۰ |
| گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش .....                                          | ۳۰ |
| پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام .....                                                  | ۳۲ |



## ماهیت «دادگاه‌های بین‌المللی» و محاکمه دیکتاتورهای حاکم بر ایران!

سوء استفاده از جانب‌باختگان آبان موقوف!

**یکم اینکه** «دادگاه بین‌المللی مردمی و دادخواهی و حقوق بشر» به گوش خوش آیند است که جنایتکاران باید محاکمه شوند، و این امر بی‌تردید به گوش خوش آیند است که عدالت گسترده باید در سراسر جهان برقرار شود! بی‌شک شما کسی را پیدا نخواهید کرد که آشکارا مدافع ستمگران باشد، حتی خود ستمگران نیز صلاح در این می‌دانند علیه ستمگری سخنان غرا بگویند و مقالات طویل بنویسند. همه ستمگران از تساوی حقوق انسان‌ها صحبت می‌کنند و به این اصل صوری و بی‌بو و خاصیت اعتقاد واثق دارند، زیرا به گفته «آنا تول فرانس» «فقیر و غنی هر دو از این حق یکسان برخوردارند که شب‌ها با شکم گرسنه در زیر پل بخوابند». «هیچکس» آشکارا مخالف احترام به حقوق بشر نیست، «هیچکس» به صراحت از شکنجه انسان‌ها و سوزاندن آنها حمایت نمی‌کند، ولی جهان ما به جهانی تبدیل شده است که حقوق بشر در آن مستمراً نقض می‌شود، شکنجه در همه جا با تعاریف و محدودیت‌های متفاوت برقرار است و عدالت آنقدر بی‌بُتیه است که قادر نیست به خود تکانی دهد، چه برسد به اینکه گسترش دامنه‌دار یابد. در تمام عرصه‌های بالا امپریالیست‌ها و دموکراسی‌های بورژوازی بیش از سایر کشورها عوام‌فریبی می‌کنند. برای «دونالد ترامپ» تحریم اقتصادی ایران و یا ونزوئلا و کوبا جنایت علیه بشریت نیست، برای «نتانیاهو» محاصره و قتل عام مردم نوار غزه و تاراندن و

کشتار میلیون‌ها فلسطینی، جنایت علیه بشریت نیست، برای «جرج بوش» کشتار نیم میلیون کودک عراقی در اثر تحریم و بی‌دوائی و بی‌غذائی جنایت علیه بشر نبود. «گوانتانامو» و «ابو غریب» دو نوع بازداشتگاهی هستند که انسان‌ها را بدون دارا بودن کوچک‌ترین حقوقی مانند بردگان در آنها به اسارت گرفته و شکنجه داده‌اند. امپریالیسم آمریکا زندانیان سیاسی را در رومانی، لهستان و بالتیک شکنجه داده و «گوانتانامو» را در بخش اشغالی خاک کوبا برپا کرده است تا از نظر «حقوقی» همه چیز بی‌خطر باشد و «دونالد ترامپ» بتواند سوگند یاد کند که در خاک آمریکا کسی را شکنجه نداده‌اند. جنایات ضد بشری امپریالیسم آمریکا را در کشور کره، ویتنام، کامبوج، لائوس، اندونزی، عراق، افغانستان، لیبی، ایران، ونزوئلا و سراسر آمریکای لاتین و آفریقا را از یاد نبریم. آنها در حالی که نوک زبانی، حقوق بشر را بر لب دارند، با خنجرهای خویش زبان هر معترضی را می‌بُرند. وقتی ویتنامی‌های قربانی بمب‌های شیمیایی آمریکا از جمله ناپالم؛ فسفر و گازهای سمی در ویتنام، که بر اساس همه موازین بین‌المللی استعمال آنها جنایت علیه بشریت محسوب می‌شد، در ایالت نیویورک به دادگاه مراجعه کردند تا خسارت دریافت کنند، وزیر وقت دادگستری آمریکا به قوه قضائیه رسماً ندا داد که از دادن رأی به نفع ویتنامی‌ها خودداری کند، زیرا که این امر نه تنها عواقب عظیم مالی برای آمریکا دارد، بلکه اجرای سیاست‌های خارجی دولت آمریکا را نیز تضعیف می‌کند و علیه امنیت ملی آمریکاست. آنوقت دادگاه «بی‌طرف» نیویورک حکم داد که نمی‌توان ثابت کرد که سوختن آدم‌ها، جنگل‌ها، به دنیا آمدن کودکان فلج و علیل ناشی از سلاح‌های شیمیایی آمریکائی بوده است.

پس روشن است که این سخنان خوش آیند تا زمانی که تضمین اجرائی نداشته باشند، حرف مفت و پوچ هستند. تضمین اجرائی زمانی وجود دارد که اگر یک قاتل خاطی به مقاومت دست زد، نیروئی باشد تا وی را سر جای خود بنشانند و حقاش را کف دست‌اش بگذارد. کسانی که خودشان تا آرنج دستان آغشته به خون هستند، نمی‌توانند قضات خوبی باشند و برای تحقق حقوق بشر، تساوی حقوق اجتماعی انسان‌ها و عدالت گسترده اجتماعی و... مبارزه کنند و خود را نمایندگان تحقق این ارزش‌ها جا بزنند. هر ساله هزاران نفر در دریای مدیترانه غرق می‌شوند، زیرا ممالک امپریالیستی، که خود مسبب این فرارها و مهاجرت‌ها در اثر غارت و چپاول این کشورها هستند، نمی‌خواهند عواقب سیاست‌های استعمار خویش را بپذیرند. آنها ولی در بلندگوهای خویش از «ارزش‌های جهان غرب» و اینکه گویا آنها «مجمعی از باورمندان به این ارزش‌ها» هستند، سخن می‌گویند.

**دوم اینکه** اینروزها همزمان با سالگرد اعتراضات به حق زحمتکشان آبان ۹۸، «سازمان‌های عدالت برای ایران، حقوق بشر ایران و سازمان بین‌المللی «با هم علیه اعدام»» اعلام کردند



## اقدام تروریستی با مشارکت اسرائیل و آمریکا

دو یادداشت کوتاه در مورد ترور دانشمند هسته‌ای ایران

رسانه‌های اسرائیلی توییت رئیس جمهور آمریکا، «دونالد ترامپ» را درباره ترور دانشمند هسته‌ای ایران، «محسن فخری‌زاده» به معنای مشارکت این کشور در این ترور تحلیل کردند. به گزارش «تسنیم»، «نیر دفوری»، خبرنگار «شبکه ۱۲» اسرائیل گزارش داد که در سال‌های اخیر ۱۰ تن از دانشمندان هسته‌ای ایران ترور شده‌اند. خبرنگار این شبکه اذعان کرد که ترور «محسن فخری‌زاده» نتیجه تعقیب‌هایی بود، که چندین سال طول کشید.

«دفوری» با تأکید بر اینکه تل‌آویو رسماً مسئولیت ترور «فخری‌زاده» را به عهده نگرفته، افشا کرد که «نشست‌های اخیر میان «مایک پامپئو» وزیر امور خارجه آمریکا و سران اسرائیل ممکن است زمینه را برای اجرای چنین عملیاتی آماده کرده باشد. این خبرنگار صهیونیست خاطرنشان کرد که: «عناصری که عملیات ترور دانشمند ایرانی را ترتیب دادند، از قبل از تحرکات هدف موردنظر آگاه بودند و مدت زمان طولانی منتظر ماندند تا او به مکان تعیین شده رسید و سپس عملیات خود را اجرا کردند». در همین زمینه روز گذشته روزنامه «رای الیوم» در مقاله‌ای نوشت که «گروه ترور این دانشمند هسته‌ای ایران عمدتاً به بیش از یک دستگاه اطلاعاتی وابسته است که در رأس آنها سازمان سیا و موساد قرار دارد؛ به این معنا که این اتفاق یک عملیات مشترک و پیچیده است که به برنامه‌ریزی و جمع‌آوری اطلاعات و فناوری بالا، سیستم‌های نظارتی، اتاق هماهنگی و پیگیری منظم و ارتباطات با تجربه بالا نیاز دارد»

که در بهمن‌ماه یک «دادگاه بین‌المللی مردمی» در لاهه به پرونده «کشتار معترضان آبان ۹۸» رسیدگی خواهد کرد.

سازمان‌های حقوق بشری برگزارکننده «دادگاه بین‌المللی مردمی آبان» تأکید کردند که این دادگاه در پاسخ به خواست مکرر خانواده‌های جان‌باختگان برای دادخواهی از یکسو و بی‌اعتنایی نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی به کشتار معترضان آبان ۹۸ از سوی دیگر، برگزار می‌شود!!

این «سازمان‌های حقوق بشری دادگاه‌های بین‌المللی مردمی»، که رسانه‌هایی نظیر «ایران اینترنشنال» عربستان و یا «من و تو» و سازمان‌های سلطنت‌طلب و فرقه مجاهدین رجوی و افراد معلوم‌الحالی، نظیر «شادی صدر»ها و «مسیح علی‌نژاد»ها و جیره‌خواران اجنبی پشت‌اش سنگر گرفته‌اند، نه مردمی‌اند، نه ملی و نه مترقی، این‌ها همه از دادگاه‌های پیمان جنگی ناتو، از بمباران یوگسلاو و محاکمه «میلوسویچ»، رئیس‌جمهور قانونی این کشور و قتل او الهام می‌گیرند. این جریانات خودفروخته با زبان حقوق بشر و با زبان «دلسوزانه» دادخواهی و همبستگی با جانباختگان و خانواده‌های این عزیزان سخن می‌گویند و مودیانه از احساسات پاک و انسانی آنها بخاطر اهداف شوم و پلیدشان سوء استفاده می‌کنند. «دادگاه مردمی» با حضور نیروهای امپریالیستی و جنگ‌طلب و آدمکش، که دست‌شان به خون میلیون‌ها انسان در سراسر جهان آغشته است، حرف مفت است، با حقوق بشر بیگانه است و وظیفه تک‌تک ایرانیان مستقل و آزادیخواه است که به افشای بی‌امان این مزدوران پردازند. دادگاه خلق، دادگاهی است که پس از به زیر کشیدن حکومت محکوم جمهوری اسلامی و مستقل از نیروهای امپریالیستی برگزار می‌شود، تا جلادان و قاتلان فرزندان این مرز و بوم را به سزای اعمال‌شان برسانند. تنها در این صورت است که دادگاه خلق، که دادگاهی است داخلی، انقلابی، مستقل و دارای جوهر مترقی و مردمی، که مورد احترام همه آزادیخواهان واقعی است و حق محاکمه قاتلان و دشمنان مردم را دارد و جز این نخواهد بود. دادگاه‌های بین‌المللی نظیر دادگاه لاهه یا «ایران تریبونال لندن» و این قبیل نهادهای ارتجاعی ابزار دست استعمارند و هیچ ربطی به مردم ایران ندارند. این نهادهای امپریالیستی و مزدوران‌شان را آرام نگذاریم، فردا دیر است!

سوء استفاده از جانباختگان آبان موقوف! •

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز  
انقلاب مبارزه کرد

## «محسن فخری زاده»، دانشمند

### هسته‌ای ایران ترور شد

#### اطلاعیه

عصر امروز جمعه در «آبسرد» دماوند محسن فخری زاده ترور شد. سه یا چهار تن دیگر نیز در این درگیری کشته می شوند که گفته می شود از تروریست ها بوده اند. در سال های ۸۸ تا ۹۰، چهار نفر از مهندسان ایرانی، که با برنامه هسته‌ای در ارتباط مستقیم بودند، در تهران ترور شدند. در جریان این ترورها، «مسعود علی محمدی»، «مجدد شهریاری» و «داریوش رضایی نژاد» کشته شدند و «فریدون عباسی دوانی» مجروح شد. در همان سال مطلبی در «نیویورک تایمز» در این مورد به چاپ رسید و اسرائیل با بیان این که از تلاش خود برای ممانعت از پیشرفت صنعت هسته‌ای ایران دست به هر اقدامی خواهد زد، از ترور دانشمندان ایرانی استقبال نمود. دو سال قبل «بنیامین نتانیاهو»، نخست وزیر صهیونیست اسرائیل، «محسن فخری زاده» را از طراحان اصلی برنامه هسته‌ای ایران معرفی کرد و در یک نشست خبری گفته بود «نام او را باید بخاطر سپرد!» «دونالد ترامپ»، در صفحه تویتر خود توییت یک خبرنگار اسرائیلی را باز نشر کرد که در آن نوشته شده بود: «بر اساس گزارش ها در ایران «محسن فخری زاده» در دماوند، شرق تهران ترور شده است. او رئیس برنامه نظامی مخفی ایران بود و سال ها از سوی موساد تحت تعقیب بود. مرگ او یک ضربه بزرگ روانی و حرفه‌ای برای ایران است». این اقدام تروریستی هدفمند ادامه ترور دانشمندان هسته‌ای و تشدید تنش در منطقه و تلاشی از سوی اسرائیل برای جلوگیری از بازگشت تیم «بایدن» به فرایند دیپلماتیک با ایران و برگشتن به برجام است. خبر دیدار محرمانه «نتانیاهو» با «بن سلمان» و اخبار روزهای اخیر مبنی بر حمله احتمالی آمریکا به ایران قبل از ترک تیم «ترامپ» از کاخ سفید، این ها همه نشانه‌هایی از اقدامات تحریک آمیز و جنگ روانی است که بی ارتباط با ترور «محسن فخری زاده» نیست. هدف از این عملیات ماجراجویانه و تروریستی، تحریک ایران برای یک واکنش نظامی و رودررویی با آمریکاست. همانطور که بارها تأکید کرده ایم، اسرائیل خواهان آرامش در منطقه نیست، بقای او با تفرقه، جنگ و تجاوز گره خورده است. جنگ افروزی در سرشت اوست.

– حزب کار ایران (توفان) این اقدام تروریستی را قویاً محکوم کرده و آن را شکلی از یک جنگ فرسایشی بر علیه مردم ایران ارزیابی می کند.

– حزب کار ایران (توفان) ترور، تنش و تحریم های اقتصادی علیه ایران را محکوم می کند و آن را مغایر صلح و ثبات و امنیت و به زیان مردم ایران و منطقه ارزیابی می کند.

این اقدامات تروریستی و تحریک آمیز، فضای عمومی مبارزه سیاسی و مدنی مردم ایران را برای کسب حقوق دمکراتیک، تنگ و تحت شعاع قرار می دهد. چنین فضای ترس و وحشی فقط به نفع نیروهای ارتجاعی و محافل بیگانه با مردم است و بس!

حزب کار ایران (توفان) جمعه ۷ آذر ۱۳۹۹

چنین تحلیلی حتی اگر کمی با غلو توأم باشد، اما در کل صحیح است، این اقدام تروریستی با مشارکت آمریکا و با همکاری متحدین منطقه‌ای آنها، نظیر عربستان سعودی به اجرا درآمده است و جز این نیز نمی تواند باشد. پرسش این است آیا رژیم می تواند در مقابل این ترور و جنگ فرسایشی، که به تدریج در درون مرزهای ایران جا باز می کند، بایستد و آنرا درهم شکند؟ ضعف رژیم کجاست؟

**یکم اینکه** رژیم فاقد پایگاه اجتماعی است، در بحران عمیق داخلی دست و پا می زند، تحریم های کمرشکن اقتصادی فشار بر اقتصاد بیمار ایران را تشدید کرده است. افزایش اختلاف طبقاتی و نارضایتی عمومی و تنش در دستجات مافیایی بر سر قدرت و غارت ثروت قوای نظام را ضعیف و به تحلیل برده است.

**دوم اینکه** مقابله با نیروی متجاوز خارجی بدون بسیج داخلی و اتکاء به نیروی مردم ممکن نخواهد بود. با شعارهای توخالی نمی توان به جنگ جبهه نیرومندی رفت، که تا بن دندان مسلح است، با تجربه است، حرفه‌ای و با برنامه عمل می کند، امکان مانور بهتری دارد و توازن قوا به نفع او است. در چنین شرایطی بدون آرامش داخلی و بدون تکیه به مردم و تحقق نسبی مطالبات شان، نبرد با دشمنان خارجی و چشم انداز موفقیت و پیروزی امر ممکن نخواهد بود.

#### چرا شادمانی از تروریسم دولتی و مداخله اجنبی؟

حقیقتاً شرم آور است وقتی کسی خود را «چپ» و «انقلابی» بداند، ولی در عین حال از مداخلات تروریستی امپریالیستی در منطقه و جهان شادمان و از اعدام «صدام» و «قذافی» و یا محاکمه و قتل «میلوسویچ»، رئیس جمهور یوگسلاوی، توسط پیمان نظامی ناتو حمایت کند و به سماع بنشیند! چنین افرادی نه «چپ» هستند، نه ملی و انقلابی و نه مترقی و نه اساساً بویی از انسانیت برده اند؛ جاهل، نادان و خود فروخته سیاسی اند. مشتی ایرانی وطن فروش هم این روزها ترور دانشمند ایرانی را که مغایر حقوق بین الملل و ناقض حق حاکمیت ملی کشورهاست، جشن گرفتند و ابراز شادمانی کردند! اما زمانی باید شادمان بود که رژیم جبار جمهوری اسلامی توسط توده کارگران و زحمتکشان و عموم مردم ایران برافتد و سران جنایتکار رژیم در دادگاه خلق محاکمه و مجازات شوند! زمانی می توان شادمان بود و از سرنگونی رژیم استقبال کرد که آزادی و عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد و حافظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران باشد. در غیر این صورت با مداخله خارجی و سرنگونی رژیم چه جای شادمانی دارد؟ ویرانی عراق، لیبی و اشغال افغانستان و سوریه ... چه جای خوشحالی دارد؟ با شیوه انتقام جویانه و ویرانی ایران و دل خنک کردن که نمی توان به آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت. چنین سیاستی بیراهه است، آب در هاون کوبیدن است، یک حماقت محض است و جز این نیست. تشکل و آگاهی رمز پیروزی مردم ایران است. •



زحمتکش، محروم، دردمند، تحقیر شده، بی‌پناه و ضعیف جامعه هستند! آلونک این دردمندان محروم، ارزش زمین‌های اربابان آنها را، کاهش می‌دهد!

### مشکل کجاست؟

آیا ایران کشور فقیری است و امکانات مادی لازم برای تهیه مسکن همه شهروندان ندارد؟ خیر! ایران دارای همه امکانات لازم را برای برآورده کردن همه نیازهای اولیه زندگی آحاد ملت از نان و کار و مسکن و بهداشت و درمان و آموزش و پرورش را دارد!

### تعداد مسکن، سه میلیون بیش از تعداد خانوار

طبق آمار سال ۱۳۹۵ حدود ۲۴ میلیون خانوار در ایران زندگی می‌کنند و تعداد واحدهای مسکونی حدود ۲۷ میلیون است. طبق آماری که همان سال ارائه شده ۲.۶ میلیون مسکن خالی و ۲.۱ میلیون مسکن نیمه خالی در کشور وجود داشته است. یعنی با وجود آنکه تعداد مسکن سه میلیون بیش از تعداد خانوارهاست، بسیاری از افراد مسکن ندارند. نتیجه این وضعیت به بدمسکنی ۲۰ میلیون نفر، حاشیه‌نشینی ۱۱ میلیون نفر، پدیده پشت‌بام‌خوابی و دیگر معضلات ختم شده است.

«خبرگزاری ایرنا» در گزارشی در تاریخ ۴ تیرماه ۱۳۹۹ گزارش می‌دهد: «از میان ۲۵ میلیون واحد مسکونی موجود در کشور، ۲.۵ میلیون واحد خالی است که همین موضوع میانگین خانه‌های خالی ایران را ۲ برابر متوسط جهانی کرده است». به گزارش خبرنگار اقتصادی «ایلنا»، «محمود محمودزاده»، معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: «بیش از ۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار واحد مسکونی را شناسایی کرده‌ایم و حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از این واحدها خالی از سکنه بوده است». «محمودزاده» بیان کرد: «از این تعداد ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار مالک حقیقی و حقوقی هستند و حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار بیش از یک واحد مسکونی دارد». وی یادآور شد: «۷۲ هزار و ۷۰۰ واحد مربوط به افراد زیر ۱۸ سال است. مجموعه این اطلاعات بسیار و قابل توجه بود به طوری که یک فرد حقیقی حدود ۶۵۰ واحد مسکونی یک فرد حقوقی هم بیش از ۲۳ هزار و ۸۰۰ واحد مسکونی به نام خود در این سامانه ثبت کرده است».

### ۱۳ درصد خانه‌های تهران خالی است

طبق آمار سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۳ میلیون و ۸۹۰ هزار واحد مسکونی در تهران وجود دارد که ۱۳ درصد آن خالی از سکنه است.

به گزارش «ایسنا»، بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در استان تهران ۳ میلیون و ۸۹۰ هزار واحد مسکونی وجود دارد که ۴۹۰ هزار واحد معادل ۱۳ درصد از این تعداد خالی است و با توجه به رکود ساخت و ساز احتمالاً تعدادی از واحدهای خالی دارای سکنه شده است. با این حال آمار



## در حاشیه تخریب آلونک یک زن زحمتکش

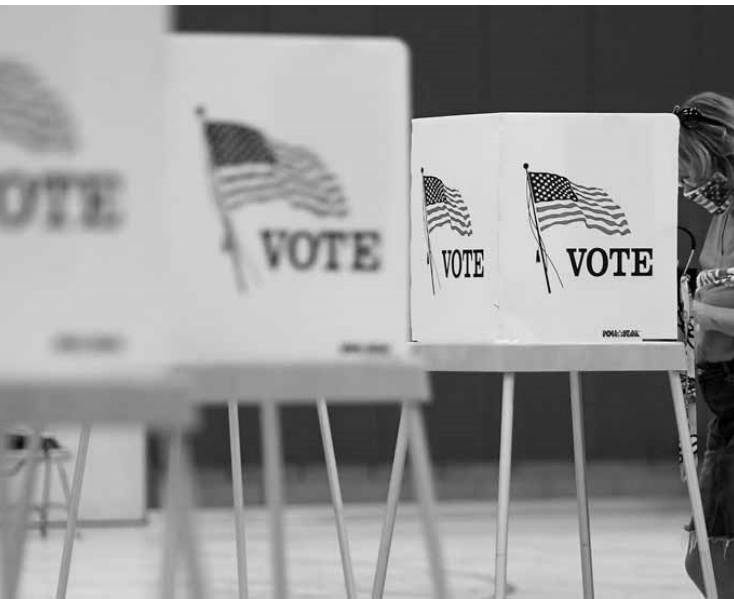
پاسخ جمهوری اسلامی به نیاز مسکن زحمتکشان از حرف تا عمل

«دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم. آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند. اتوبوس را مجانی می‌کنیم. دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را عظمت می‌دیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. ما هم دنیا را می‌آباد می‌کنیم و هم آخرت را» (خمینی).

اصل ۳۱ قانون اساسی؛ حق مسکن از رویا تا واقعیت

«داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».

هنوز چند ماهی از خراب کردن آلونک و قتل «آسیه پناهی» در حاشیه شهر کرمانشاه نگذشته است، که فیلم تخریب خانه ۸ متری دو زن سرپرست خانواده در بندر عباس به نام «زهره حسن‌زاده» و زن برادرش، که اقدام به خودسوزی می‌کند و گریه و زاری فرزندانها در شبکه مجازی چهره واقعی جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد و داغ دل مردم را از جنایات این جنایتکاران مافیائی تازه می‌کند! این جنایت فقط دو نمونه از ده‌ها هزار مورد تخریب خانه‌های حاشیه شهرها در سراسر ایران طی دوران بعد از انقلاب است! قوانین و شهرداران این حکومت مشکلی با تخریب کنندگان محیط زیست و حیات وحش و جنگل‌ها و کوه‌ها در رابطه با ویلاسازان و غارتگران و غاصبان اموال عمومی ملت ندارند! آنها دشمن انسان‌های



## هزینه سرسام‌آور انتخابات نشان

### می‌دهد این «دمکراسی»

### متعلق به کدام طبقه است

تازه‌ترین تحقیقات نشان داد، مجموع هزینه مربوط به انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، که شامل انتخابات کنگره و ریاست جمهوری است به ۱۴ میلیارد دلار خواهد رسید؛ مبلغی که بیش از مجموع هزینه صرف شده در طول دوره‌های مربوط به دو انتخابات قبلی است. بر طبق برآورد مرکز سیاست پاسخگو (CRP) انتخابات ریاست جمهوری سوم نوامبر ۲۰۲۰ در آستانه رسیدن به هزینه ۶.۶ میلیارد دلاری است در حالی که مبالغ کمک‌های اهدایی در ارتباط با رقابت انتخابات مربوط به کرسی‌های کنگره به ۷.۲ میلیارد دلار بالغ می‌شود.

به گزارش «فایننشال اکسپرس»، این داده‌ها نشان می‌دهند که دموکرات‌ها عمده سهم این هزینه‌ها را با میزان ۶.۹ میلیارد دلار به خود اختصاص داده‌اند در حالی که ۳.۸ میلیارد دلار از جانب کاندیداها و گروه‌های جمهوری‌خواه هزینه صرف شده است.

به لحاظ حقوقی هر انسان فرودستی می‌تواند رئیس‌جمهور آمریکا شود، اما در عمل غیرممکن است. برنده این شکل از دمکراسی از پیش روشن است، هر که باشد نماینده میلیاردرهاست. نماینده یک درصدی صاحبان قدرت، صاحبان سرمایه مالی و انحصارات است، یعنی اعمال دیکتاتوری ادرصد بر ۹۹ درصد جامعه، البته با زبان شیرین دمکراسی! •

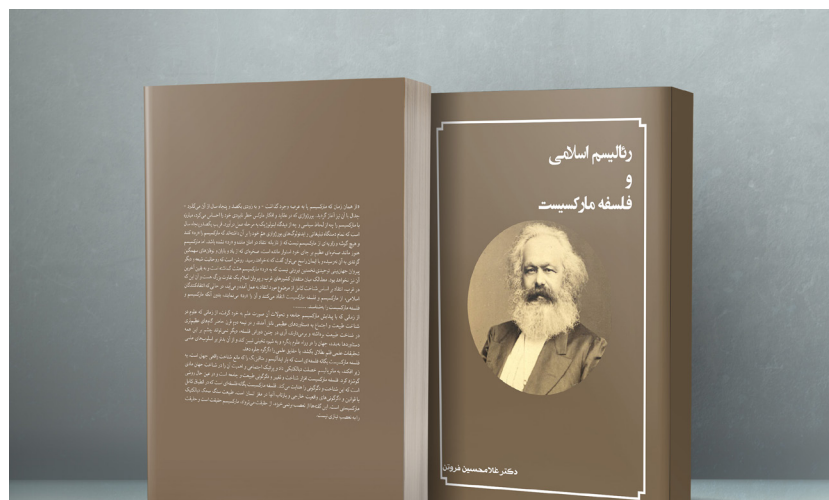
خانه‌های خالی تهران بیش از دو برابر استاندارد جهانی است.

موجودی مسکن کل ایران نیز در سال ۱۳۹۰ حدود ۲۱ میلیون و ۶۶۳ هزار واحد بوده که با ۱۷ درصد رشد به ۲۵ میلیون و ۴۱۲ هزار واحد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در مقابل، آمار خانه‌های خالی از یک میلیون و ۶۶۳ هزار واحد در سال ۱۳۹۰ به ۲ میلیون و ۵۸۷ هزار واحد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته و حدود ۵۵ درصد رشد کرده است.

در سال‌های پس از انقلاب، با وجود مهاجرت‌های ناشی از جنگ، حدود ۸۰ درصد خانوارها در واحدهای ملکی زندگی می‌کردند و بحران مسکن به اندازه امروز نبود. در سال ۱۳۷۵ که به نوعی آغاز ارایه آمارهای بخش مسکن بوده ۷۳.۴ درصد از جمعیت ایران در واحدهای ملکی، ۱۵.۴ درصد در واحدهای استیجاری و ۱۱.۹ درصد در سایر واحدها زندگی می‌کردند. آمار سال ۱۳۹۵ درصد واحدهای ملکی را ۶۰.۵، واحدهای استیجاری را ۳۰.۷ و سایر واحدها را ۸.۸ نشان می‌دهد. هم اکنون در شهر تهران حدود ۴۴ درصد خانوارها مستاجر هستند.

مسکن مناسب برای همه خانواده‌های ایرانی وجود دارد! چیزی که وجود ندارد سیاست‌های مردمی در جهت منافع زحمتکشان است!

منشاء بحران مسکن، گورخوابی، کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی بخش گسترده‌ای از مردم محروم جامعه آن سیاست طبقاتی بی‌رحمی است که نظم جغرافیای بورژواشین لوسانات را آفریده و با چنگ و دندان از آن پاسداری می‌کند. با بودن چنین نظم مافیایی سرمایه‌داری تخریب آلونک‌های زحمتکشان نیز ادامه خواهد یافت. خانه‌های خالی باید مصادره و در اختیار بی‌خانه‌ها و بدمسکن‌ها گذاشته شود! •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید



## سخنی کوتاه درباره «دیگو مارادونا»، اسطوره فوتبال جهان

«دیگو مارادونا»، قهرمان افسانه‌ای تیم ملی فوتبال آرژانتین روز چهارشنبه ۵ آذر (۲۵ نوامبر) در پی یک حمله قلبی درگذشت و میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان در غم و اندوه فرو برد. در این مختصر آهنگ آن نداریم تا از توانایی‌های فوتبالی او سخن بگوئیم، در این مورد تمام رسانه‌های ورزشی جهان بسیار سخن گفتند و نوشتند. آنچه از آن کم‌تر سخن رفته است، در مورد درآمد او بر علیه ظلم، ستم و فقری است که با آن سر آشتی نداشت. زیرا خود در مناسباتی بسیار تنگدستانه بالیده و فقر و ستم طبقاتی را با پوست و گوشت خود چشیده بود. او از مادری ایتالیایی تبار و پدری سرخ‌پوست، در یکی از فقیرترین محلات در حومه «بوئنس آیرس» زاده شد. در کودکی ناچار بود اتاقی چهار متر مربعی را با هفت خواهر و برادر دیگر خود تقسیم کند. به دلیل جثه کوچک‌اش همبازیان او را جدی نمی‌گرفتند و مجبور بود بیش‌تر با خودش بازی کند. معروف است که در کودکی با یک پیاز یا پرتقال آنقدر روپایی می‌زد که آن‌ها را کاملاً آبلمو و متلاشی می‌کرد. آرزویش داشتن یک توپ چرمی فوتبال، کفش و لباس برای بازی در زمین چمن بود. «مارادونا» گرچه در ورزش فوتبال یک اسطوره و نابغه‌ای استثنائی بشمار می‌رفت، اما در عرصه سیاست نیز در میان فوتبالیست‌های جهان یک استثناء بود. در سال ۱۹۸۲ بین آرژانتین و انگلیس بر سر مالکیت جزایر فالکلند جنگی درگرفت که ۷۴ روز

طول کشید و منجر به مرگ ۶۴۹ آرژانتینی شد. جزایر فالکلند سال‌های طولانی در اشغال امپریالیسم انگلیس قرار داشت و هنوز هم دارد. در یک چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک، «مارادونا» توپی را در یک شرایط استثنایی با دست به دروازه انگلستان چسباند و داور مسابقه گل را پذیرفت. وقتی خبرنگاران از «مارادونا» درباره این گل پرسیدند، او زیرکانه همچون یک سیاستمدار جوان و باهوش پاسخ داد: «دست من؟ نه این دست خدا بود که انتقام مردم آرژانتین را گرفت».

دست او در ورزشگاه «آزکوسیتی» مکزیک، تیم ملی فوتبال انگلیس را به شدت تحقیر کرد و به خانه فرستاد. البته گل دوم او به انگلیس، که با دریل جادویی پنج بازیکن حریف به ثمر نشست، از او اسطوره‌ای فراموش‌نشده آفرید. به طوری که «اریک کانتونا»، بازیکن بزرگ پیشین تیم ملی فرانسه و باشگاه «منچستر یونایتد» گفته بود: «در گذر زمان همه خواهند گفت مارادونا برای فوتبال همان چیزی بود که موتسارت برای موسیقی بوده است». سال ۲۰۰۲ در نظرسنجی «فیفا» این گل به عنوان «گل قرن» فوتبال برگزیده شد.

«مارادونا» به دلیل ریشه در فقر و تنگدستی همیشه در کنار خلق‌های تحت ستم آمریکای لاتین قرار داشت و از مبارزات آنها جسورانه حمایت می‌کرد. از رهبران ممالک مترقی و ضدامپریالیست کوبا، ونزوئلا و بولیوی... بی‌پرده دفاع می‌کرد و تا آخر به آرامانش وفادار ماند. «مارادونا» بارها از خلق در بند فلسطین به دفاع برخاست و اشغال این سرزمین، سرکوب و ترور توسط صهیونیست‌ها را محکوم کرد. این‌ها همه نشان از آگاهی و بیداری او و ریشه در درد مشترکی داشت که او را به خاری در چشم امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل بدل نمود. یادش گرامی باد!•



با گشوده شدن پرونده جدید برای «منوچهر سراج»، عضو سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران، ایشان دستگیر و به اوین انتقال داده شد. این سومین بار است که «منوچهر سراج» به دلیل فعالیت صنفی به زندان می‌افتد. سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای زندانی کردن «منوچهر سراج» و دیگر کارگران را محکوم نمود و خواستار آزادی همه زندانیان صنفی و مدنی شد.

### ۳ آبان

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) درباره صدور و تأیید حکم دو سال زندان «محمد تقی فلاحی»، دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران، از سوی دادگاه تجدیدنظر، بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن آمده است: «باز هم تأیید حکمی ناعادلانه، توسط دادگاه تجدیدنظر، کام فرهنگیان را تلخ و تلخ‌تر کرده است. در روزگاری، که به دلیل بی‌کفایتی مسئولان، وضع مردم و مملکت روز به روز آشفته‌تر می‌شود؛ ضرورت تجدیدنظر در رفتار حاکمان بیش از پیش احساس می‌گردد».

### ۴ آبان

بیست و چهار نویسنده و استاد دانشگاه ایرانی، در نامه‌ای به انجمن جهانی قلم، به اجرای حکم زندان برای «بکتاش آبتین»، «کیوان باژن» و «رضا خندان مهابادی»، نویسنده، مترجم و عضو کانون نویسندگان ایران و نیز برای «خسرو صادقی بروجنی»، روزنامه‌نگار اقتصادی، اعتراض کرده‌اند و از این نهاد صنفی بین‌المللی خواسته‌اند به آزادی فوری این نویسندگان کمک کند.

### ۶ آبان

حکم دو سال زندان دبیر کانون صنفی معلمان تهران، «محمد تقی فلاحی» به اتهام واهی «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» تأیید شد. سندیکای کارگران شرکت واحد با انتشار اطلاعیه‌ای محکومیت «محمد تقی فلاحی» و همچنین بازداشت چند تن از حامیان حقوق کارگران را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «محکومیت ایشان به اتهام اجتماع تبانی علیه امنیت کشور از طریق شرکت در تشکل کانون صنفی معلمان تهران بوده است. این در حالی است که فعالیت ایشان و دیگر فعالان صنفی معلمان در بند دفاع از معیشت معلمان همچنین فعالیت در جهت آموزش و پرورش رایگان همگانی بوده است. در روزهای گذشته چند تن از حامیان حقوق کارگران و محرومان، در شهرهای مختلف بازداشت و اطلاع دقیقی از وضعیت آنان در دست نیست. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بازداشت و زندانی کردن فعالان صنفی معلمان، فعالین کارگری و حامیان حقوق کارگران را قویاً محکوم و خواهان آزادی کلیه آنان و لغو احکام صادره قضایی در این رابطه می‌باشد».

کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین، با محکوم ساختن حکم



## در جبهه نبرد طبقاتی

### اخبار و گزارشات اعتراضات کارگری آبانماه ۱۳۹۹

سالگرد آبان ۹۸ را در حالی پشت سر گذاشتیم که کوله‌باری از تلاش و تجربه مبارزاتی را در کنار درد و رنجی فراموش نشدنی به همراه داریم. مبارزه کارگران و زحمتکشان در سال‌های گذشته و به خصوص در سه سال اخیر درس‌هایی گران‌بها برای فعالان و پیشگامان کارگری به همراه داشته است. اگرچه عزیزان بسیاری را از دست داده‌ایم و بسیاری از فرزندان کار و زحمت، رنج زندان و شکنجه را تجربه کرده‌اند، ولی همگان بدون هیچ توهمی می‌دانند که سیاست‌های خانمان‌برانداز نئولیبرالی حکومت مکمل حرص و آز پایان‌ناپذیر مسئولان و سرمایه‌داران بی‌وجدان است که برای خلاصی از وجود نامبارکشان راهی جز مبارزه همزمان با سیاست‌های نئولیبرال‌های ایرانی و سازمان‌های مالی و تجاری نئولیبرال بین‌المللی در پیش رویمان نیست.

شکست‌ها و تحمل سرکوب وحشیانه و همچنین به دست آوردن پیروزی‌هایی که با بدعهدی سرمایه‌داران و مسئولان به تداوم وضع موجود منتهی می‌شود، هر دو نشان از عدم وجود تشکلی توده‌ای و رهبری واحد، سراسری و قدرتمند است که بدون آن علی‌رغم تمامی تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و بدون وقفه کارگران و زحمتکشان طعم پیروزی را نخواهیم چشید. رمز پیروزی کار و زحمت تشکل و آگاهی است.

در آبانماه مبارزات کارگران و زحمتکشان ادامه یافت که در ادامه بخشی از آنها را مرور می‌کنیم:

### اخبار سرکوب و مقاومت

#### ۱ آبان



## ۱۷ آبان

هفتاد و یک نفر از معترضان بهبهان، که در تاریخ ۲۶ تیرماه سال جاری، در اعتراض به وضعیت نابسامان اقتصادی کشور و صدور حکم اعدام در پاسخ به اعتراضات سراسری آبان ۹۸، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کرده بودند، طی احضاریه‌ای به بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب بهبهان احضار شدند.

## ۲۰ آبان

«محمد حبیبی»، معلم و فعال صنفی معلمان پس از تحمل ۳۰ ماه حبس از زندان تهران بزرگ آزاد شد. به امید آزادی دیگر عزیزان آزاداندیش زندانی!

## ۲۱ آبان

کنشگران صنفی آموزش فارس به مناسبت آزادی «محمد حبیبی» بیانیه‌ای منتشر ساختند و خواستار آزادی سایر معلمان شدند.

## ۲۲ آبان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آزادی «محمد حبیبی» را به ایشان، همسر و جامعه فرهنگی کشور تبریک گفت و خواهان آزادی تمامی فعالان صنفی معلمان در بند و کارگران زندانی شد.

اتحاد بین‌المللی در اطلاعیه خود آزادی «محمد حبیبی» را تبریک گفت و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط دیگر معلمان در بند و فعالین کارگری و اجتماعی از جمله «اسماعیل عبدی»، عضو دیگر کانون صنفی معلمان تهران شد. «منوچهر سراج»، عضو سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران، با گذاشتن وثیقه ۵۰۰ میلیونی از زندان اوین آزاد شد.

## ۲۴ آبان

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون آزادی «محمد حبیبی» بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن می‌خوانیم: «کانون صنفی معلمان ایران (تهران) آزادی ایشان را به همسر صبور و مقاوم، جامعه معلمان کشور و مردم آزادیخواه ایران تبریک و تهنیت می‌گوید. ما نه تنها بر این باوریم که فعالان صنفی مانند «محمود بهشتی»، «علی اکبر باغانی»، «رسول بدافی»، «محمود باقری»، «اسماعیل عبدی»، «محمد حبیبی»، «محمد تقی فلاحتی» و ... که هدفی جز اعتلای آموزش و فرهنگ این جامعه نداشته و ندارند، نباید با کوچک‌ترین ناملامتی روبرو شوند، بلکه شایسته می‌دانیم که این گونه کنشگران صنفی، به عنوان بازتاب‌دهندگان کاستی‌های نظام آموزشی، قدر بینند و بر صدر نشینند. ... کانون صنفی معلمان تهران ضمن تأکید بر قانونی بودن فعالیت‌هایش، عملکرد مستقل، صنفی و مدنی خود و حفظ موضع همواره این سال‌ها در نفی برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی؛ از رویکرد جدید قوه قضاییه در کاهش مجازات حبس استقبال می‌نماید و معتقد است برای مهار بحران‌های

ظالمانه «محمد تقی فلاحتی» خواستار لغو این حکم ۲ ساله شد. کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز در محکومیت دو سال حبس تعزیری «محمد تقی فلاحتی»، دبیر کانون صنفی معلمان تهران بیانیه‌ای منتشر ساخت و خواهان آزادی معلمان زندانی گشت.

## ۸ آبان

تجمع کارگران بخش‌های مختلف صنعتی هفت تپه در حمایت از همکارانشان که اضافه کاری تیر و مرداد ماه آنان واریز نشده بود، با دخالت نیروی انتظامی و همچنین یگان امداد نیروهای مخصوص انتظامی، به تشنج کشیده شد و بعد از ظهر، چهار نفر از کارگران به نام‌های، «حیوری»، «عباسی منجزی»، «یوسف بهمنی» و «حمید ممبینی» توسط پاسگاه هفت تپه بازداشت شدند.

## ۹ آبان

اتحاد بازنشستگان با صدور اطلاعیه‌ای حکم زندان برای دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران را محکوم ساخت و خواهان آزادی بی قید و شرط این انسان فرهیخته و تمامی زندانیان شد. سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران با انتشار اطلاعیه‌ای، دستگیری و سرکوب فعالان صنفی و مدنی را محکوم ساخت و خواهان آزادی تمامی فعالان صنفی و مدنی گشت.

## ۱۰ آبان

کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه به زندان فجر دزفول منتقل شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن بازداشت این عزیزان، خواهان آزادی بی قید و شرط این انسان‌های شریف و زحمتکش شد.

## ۱۱ آبان

دومین روز از تجمع اعتراضی کارگران بخش‌های صنعتی نیشکر هفت تپه در حمایت از همکارانی، که به اتهام دفاع از مطالبات کارگری بازداشت و زندانی شده‌اند، پشت سر گذاشته شد. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه اتهام و پرونده‌سازی برای کارگران مبارزه و حق طلب را محکوم کرده و خواهان پایان دادن به سرکوب کارگران شد و تمامی کارگران هفت تپه را به حمایت همه جانبه از همکاران خود «عباسی»، «بهمنی»، «حیوری» و «ممبینی» دعوت کرد.

## ۱۲ آبان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای محکومیت «محمد فلاحتی» را محکوم ساخت.

## ۱۴ آبان

مبارزه کارگران به نتیجه رسید و چهار کارگر بازداشتی هفت تپه («ابراهیم عباسی منجز»، «حمید مبینی»، «یوسف بهمنی»، «مسعود حیوری»)، از بازداشت غیرموجه و غیرقانونی آزاد شدند.

متعددی، که جامعه و حکومت را به ورطه‌های هولناک می‌کشاند، لازم است تغییری عمیق در رویکردهای حاکمان در حوزه‌های اقتصادی، سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، رویه‌های قضایی و... در پیش گرفته شود تا مانع گسترش بیش‌تر شکاف عمیق ایجاد شده میان دولت و ملت گردد».

## ۲۶ آبان

صد و هجده نویسنده، شاعر و هنرمند آمریکایی، انگلیسی و کرد (ترکیه) با حمایت از بیانیه کانون نویسندگان ایران «در تبعید» و انجمن قلم ایران «در تبعید» خواستار آزادی نویسندگان زندانی در ایران شدند.

## ۳۰ آبان

جمعی از زنان زندانی سیاسی اوین برای بزرگداشت شهدای آبان ۹۸ گردهم آمدند و با سرودخوانی و شعرخوانی همبستگی خود را با معترضین اعلام کردند. و در پایان با صدور بیانیه‌ای به گردهم‌آئی خود پایان دادند. در این بیانیه آمده است: «... با گرامیداشت یاد هزاران جان‌شفته‌ای، که داغی خون سرخ‌شان در آبان ۹۸ ز مهریر زمستان ایران را شکست و نوید بهاران داد، با همدردی و همراهی با خانواده‌های شهدای آبان ۹۸ برای دادخواهی و محاکمه عاملان و آمران کشتار جنایتکارانه، عهد می‌بندیم که راهشان را تا طلوع آزادی ادامه داده و جنایات رفته در آبان خونین ۹۸ را نه ببخشیم و نه فراموش کنیم».

## هفت تپه

## ۱ آبان

با شکایت مالک شرکت هفت تپه، ۵ نفر از فعالین کارگری («ابراهیم عباسی منجزی»، «حسن کهنکی»، «امید آزادی»، «عادل سرخه» و «صاحب ظهیری») با دستور دادستان به پاسگاه هفت تپه احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه ضمن محکوم کردن هرگونه رفتار ضد کارگری، تهدید و پرونده‌سازی کارگران، خواهان خلع ید از بخش خصوص شد.

## ۱۰ آبان

کارگران بخش‌های داخلی در اعتراض به بازداشت چهار همکار خود آقایان «بهمنی»، «حیوری»، «ممینی» و «عباسی منجزی» در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کردند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از خواست کارگران، خواهان آزادی تمامی کارگران بازداشتی شد.

## ۱۲ آبان

کارگران نیشکر هفت تپه برای چهارمین روز در اعتراض به بازداشت همکاران خود در محوطه شرکت دست به تجمع زده و خواستار آزادی بی قید و شرط همکاران خود شدند. نیروهای سرکوبگر پلیس برای جلوگیری از تجمع کارگران در محوطه

کارخانه حضور پیدا کردند ولی کارگران در دفاع از همکاران خود با ایستادگی، عزم راسخ خود را نشان دادند.

کارگران اسیر شده نیشکر هفت تپه، در اعتراض به روند ادامه بازداشت و اسارت خود، دست به اعتصاب غذا زدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت آقایان «یوسف بهمنی»، «مسعود حیوری»، «حمید ممینی» و «ابراهیم عباسی منجزی»، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط این عزیزان شد.

## ۱۳ آبان

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با صدور فراخوانی هرگونه فشار و اذیت و آزار کارگران را محکوم کرده و خواهان پایان‌دادن به این اعمال ضدانسانی علیه آنان شد. در این فراخوان آمده است: «... سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه؛ ضمن محکوم کردن برخورد امنیتی و قضایی با مطالبات کارگران هفت تپه خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران بازداشتی هفت تپه، خاتمه‌دادن به برخوردهای امنیتی، ابطال پرونده‌سازی‌های تائکونی و اجرای مطالبات کارگران شده از اینرو همگان را به حمایت متشکل از این فراخوان دعوت می‌کنیم».

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از فراخوان سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در پشتیبانی برای آزادی چهار تن از کارگران بازداشتی نیشکر هفت‌تپه اعلام حمایت کرد.

تشکل‌های کارگری و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، مدافعین حقوق کارگران و فعالان بسیاری با صدور اطلاعیه‌ای حمایت خود را از فراخوان سندیکای هفت تپه اعلام داشتند.

## ۱۴ آبان

گروه اتحاد بازنشستگان با انتشار بیانیه‌ای از فراخوان سندیکای هفت تپه حمایت خود را اعلام داشت.

سرانجام چهار کارگر بازداشتی هفت تپه («ابراهیم عباسی منجزی»، «حمید ممینی»، «یوسف بهمنی»، «مسعود حیوری»)، با سپردن وثیقه از بازداشت غیرموجه و غیرقانونی آزاد شدند. تلاش و پیگیری وکیل کارگران بازداشتی نیشکر هفت تپه و تجمعات اعتراضی کارگران هفت تپه در محوطه شرکت و در مقابل دادگستری شوش تأثیر خود را گذاشت. زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران!

## ۱۵ آبان

نیروهای سرکوبگر یگان ویژه در شرکت نیشکر هفت تپه مستقر شدند و هفت تپه را به پادگان نظامی تبدیل کردند تا بتوانند خود را برای سرکوب کارگران آماده کنند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در رابطه با امنیتی کردن شرکت نیشکر هفت تپه اعلام داشت که ورود نیروهای یگان ویژه و هر نیروی سرکوبگر به شرکت هفت تپه محکوم است و

بیش نبوده و صرفاً برای آرام کردن کارگران و خریدن زمان، داده شده است. و در ادامه دروغ گوئی مسئولان سخنگوی قوه قضائیه نیز اعلام داشت که حقوق کارگران هفت تپه به روز است و کارخانه در حال تولید می باشد و کارگران اخراجی هفت تپه هم به سر کارهای خود بازگشته اند.

گروه اتحاد بازنشستگان حمایت خود از فراخوان سندیکای هفت تپه را اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... دستان متحد و همپیمان خود را به دستان همه کارگران به ویژه به کارگران نیشکر هفت تپه حلقه کرده و زنجیره اتحاد خود را تا برگشت به کار ۱۵ کارگر اخراجی و ادامه مبارزه کارگران تا رسیدن به مطالبات اصلی خود مستحکم کنیم. همچنانکه با حمایت های عمومی کارگران، تشکلهای و فعالان بود که کارگران بازداشت شده بطور موقت آزاد شدند. ...»

#### ۲۱ آبان

پس از گذشت نزدیک به بیست روز از ممانعت از ورود پانزده کارگر نیشکر هفت تپه، در محل کار خود حاضر شدند و با استقبال گرم دیگر همکاران خود روبرو شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن تبریک این پیروزی، به همه کارگران از جمله به کارگران زحمتکش هفت تپه خواستار بازگشت به کار سایر کارگران اخراجی از جمله، «اسماعیل بخشی»، «ایمان اختری»، «سالار بیژنی» و «محمد خنیفر» شد.

#### پتروشیمی، نفت و گاز و نیروگاهها

#### ۴ آبان

اعتصاب کارگران پایپینگ و جوشکاری نفت در شرکت های پتروپالایش فازهای ۱۳ و ۱۴ و بندر صادراتی تمبک، که از بیست ونهم مهر در اعتراض به سطح نازل حقوق، توخالی درآمدن وعده ها وعدم رعایت پروتکل های بهداشتی در چهارچوب مقابله با بیماری «ویروس کرونا» شروع شده است، همچنان ادامه دارد.

#### ۵ آبان

جمعی از کارگران شرکت ملی حفاری ایران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و حق بیمه خود اقدام به برگزاری تجمع کردند.

جمعی از کارگران پتروشیمی غدیر در مقابل دفتر مرکزی این مجموعه در تهران در تجمعی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

#### ۶ آبان

کارگران واحد زر شیمی وابسته به پتروشیمی امیرکبیر در بندر ماهشهر در اعتراض به وضعیت حقوق خود دست به تجمع زدند. این کارگران خواهان اجرای مصوبات اخیر شرکت نفت درباره حقوق خود هستند.

#### ۱۰ آبان

خواستار پایان دادن به این زورگویی توسط نیروهای سرکوبگر ضد کارگر شد.

سندیکا همچنین ممانعت از ورود ۱۵ نفر از کارگران «ابراهیم عباسی منجزی»، «امید آزادی»، «حامد حمدانی»، «یوسف بهمنی»، «محمود خدایی»، «عادل سرخه»، «حسن کهنکی»، «محمد امیدوار»، «صاحب ظهیری»، «فیصل ثعالی»، «حسین حمدانی»، «محمد حمدانی»، «حمید ممبینی»، «مسعود حیوری»، «مسلم چشمه خاور» را به شرکت محکوم کرده و خواستار پایان دادن به تهدید و ارباب کارگران شد. اقدام به اخراج ۱۵ تن از کارگران بلافاصله پس از آزادی ۴ کارگری، که ظالمانه بازداشت شده بودند، فقط برای ایجاد جو رعب و وحشت در میان کارگران و ممانعت از حرکات اعتراضی کارگران بود. ولی کارگران هفت تپه به دفاع از پانزده همکار خود مقابل در ورودی شرکت تجمع کردند و خواستار بازگشت به کار آنان شدند.

#### ۱۶ آبان

تشکلهای کارگری و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، مدافعین حقوق کارگران و فعالان بسیاری با صدور اطلاعیه ای ضمن اظهار خوشحالی از آزادی چهار کارگر هفت تپه، حمایت خود را از مطالبات کارگران هفت تپه اعلام داشتند و برخوردهای امنیتی با کارگران را محکوم ساختند و خواستار بازگشت به کار کارگران گشتند.

#### ۱۸ آبان

تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه در اعتراض به اخراج ۱۵ تن از همکاران شان، براساس فراخوان قبلی، در برابر ورودی شرکت ادامه پیدا کرد. نیروهای امنیتی همچنان در شرکت حضور داشتند و کارگران نیشکر هفت تپه، به نشانه حسن نیت و این که به دنبال هیچ گونه تنش نیستند و تنها خواسته های بر حق خود را از جمله ورود ۱۵ کارگری که غیرقانونی اخراج شده اند، دنبال می کنند، به نیروهای امنیتی گل اهدا کردند. در تجمع کارگران، چند تن از فعالین و نمایندگان کارگران از جمله «یوسف بهمنی»، «امید آزادی»، «مسلم چشمه خاور»، «ابراهیم عباسی منجزی» و «مهرداد آل کثیر» به سخنرانی و افشاگری اقداماتی، که علیه کارگران صورت می گیرد، پرداختند.

#### ۲۰ آبان

یازدهمین روز از تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در حمایت از همکاران اخراجی خود در مقابل گیت ورودی کارخانه برگزار شد. «موسوی»، امام جمعه اهواز و نماینده خامنه ای در خوزستان، روز یکشنبه ۱۸ آبان، با حضور در جمع کارگران چنین وانمود کرد که مشکل ۱۵ کارگر اخراجی شرکت نیشکر هفت تپه حل شده است و به سر کار برمی گردند. اما روز دوشنبه ۱۹ آبان مشخص شد که این وعده امام جمعه فریبی



پرس ... حضور داشتند. این پیروزی بر کارگران مبارک باد!

#### فرهنگیان

##### ۱ آبان

معلمان پیش دبستانی یاسوج در اعتراض به تداوم بلا تکلیفی استخدامی خود در مقابل دفتر نماینده بویراحمد، دنا و مارگون در مجلس، دست به تجمع اعتراضی زدند.

##### ۳ آبان

تعدادی از معلمان طرح خرید خدمات آموزشی و حمایتی یزد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی، نداشتن امنیت شغلی، مشکل بیمه، و عدم تبدیل وضعیت شغلی خود در مقابل استانداری این استان دست به تجمع زدند.

##### ۵ آبان

مربیان پیش دبستانی نسبت به عدم تبدیل وضعیت شغلی و استخدام آنها، بطور همزمان در چند مرکز استان (خوزستان، آذربایجان غربی و گلستان) در مقابل اداره آموزش و پرورش استان‌های خود دست به تجمعات اعتراضی زدند. این در حالی است که وزیر آموزش و پرورش با بی‌شرمی تمام اعلام داشته بود که: «معلمان غیررسمی، که بعد از سال ۹۲ با آموزش و پرورش همکاری کردند، باید قید استخدام را بزنند». و نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفته است: «سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور حدود ۸.۹ درصد است و این در حالی است که در دنیا این عدد ۱۴ درصد است. البته در سال ۹۲، این عدد ۱۸ درصد بوده است!». و این چیزی نیست جز تلاش برای خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش، که مشکلات فراوانی برای زندگی روزانه دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و مربیان بوجود آورده است.

##### ۶ آبان

جمعی از آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی شهرستان دزفول در اعتراض به محرومیت از حق امنیت شغلی و استخدام در مقابل دفتر نماینده این شهر در مجلس تجمع کردند و خواستار تبدیل وضعیت شدند.

##### ۱۱ آبان

مربیان پیش دبستانی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در مقابل ساختمان مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

##### ۲۲ آبان

جمعی از مربیان پیش دبستانی قبل از سال ۹۱ شهرستان داراب در اعتراض به عدم استخدام خود در آموزش و پرورش طی سه روز گذشته در مقابل فرمانداری، دفتر امام جمعه و دفتر نماینده مردم داراب و زرین دشت دست به تجمع زدند.

##### ۲۷ آبان

کارگران واحدهای تعمیراتی شرکت پتروشیمی فن‌آوران در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر، در اعتراض به پایین بودن میزان حقوق و نابرابری در مزایا دست به اعتصاب زدند.

##### ۱۱ آبان

کارگران پتروشیمی فن‌آوران در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر، برای دومین روز پیاپی در اعتراض به پایین بودن سطح دستمزد و تبعیض در مزایای شغلی، دست از کار کشیده و به اعتصاب خود ادامه دادند.

##### ۲۰ آبان

جمعی از کارگران و کارکنان شرکت رامپکو (تلمبه‌خانه غرب کارون)، به منظور احقاق حقوق عقب افتاده خود و مطالبات ۴ ماه دستمزدشان، مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

##### ۲۲ آبان

کارگران میدان نفتی آزادگان شمالی در غرب کارون در شهرستان هویزه، در واحدهای بهره‌برداری پالایشگاه، چاه، تعمیرات و ایمنی، آتش‌نشانی، خدمات و پشتیبانی، نسبت به پایین بودن سطح حقوق و دستمزدشان دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

##### ۲۴ آبان

جمعی از کارگران مجتمع پتروشیمی جم در اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط کاری نامناسب خود دست به تجمع زدند. این کارگران از یک هفته پیش تاکنون با برپایی تجمعات مختلف خواستار افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کاری و کوتاه شدن دست پیمانکاران از این مجتمع هستند. در جریان تجمع روز جمعه، نیروهای حراست با کارگران درگیر شدند.

##### ۲۷ آبان

کارکنان نیروگاه رامین اهواز، تأمین کننده برق نیمی از خوزستان در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا دست به اعتصاب زدند.

##### ۳۰ آبان

بر اثر اعتراضات چندین ساله کارگران و به ویژه یکساله اخیر، کارگرانی که تحت پوشش شرکت‌های پیمانکاری کار می‌کردند از این پس با ایران خودرو قرارداد مستقیم می‌بندند. در اواسط آبان در جلسه‌ای، که مدیرعامل مجبور شد در آن حضور یابد، ۱۳ نماینده کارگران پیمانکار نیز شرکت داشتند، این موفقیت رسمی گردید. ۲۷۰۰ کارگر پیمانکار تبدیل وضعیت شده و دیگر کارگر ایران خودرو محسوب گشته و از مزایای ایران خودرو بهره‌مند می‌شوند. نمایندگان از سالن رنگ، تعمیرات قالب، نیروی محرکه، سالن بدنه‌سازی، سالن

اداره کار آهر مبنی بر پرداخت ماه‌ها حقوق عقب‌افتاده، اعتراض خود را از سر گرفتند.

### ۳ آبان

تجمع اعتراضی قبول‌شدگان آزمون عملی آتش‌نشانی بجنورد نسبت به بلا تکلیفی شغلی و بی‌توجهی مسئولان استان خراسان شمالی، در مقابل استانداری این استان برگزار شد.

در پی اعتصاب رانندگان شرکتی اتوبوسرانی بوشهر شبیه نسبت به عدم پرداخت حقوق آنها، فعالیت اتوبوس‌ها متوقف شد.

### ۵ آبان

برای چندمین روز متوالی کارگران اخراجی کارخانه برفاب با خواست بازگشت به کار مقابل این کارخانه دست به تجمع زدند.

### ۷ آبان

جمعی از تانک‌داران بین‌المللی در مقابل اداره راه‌داری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند.

### ۱۹ آبان

تجمع اعتراضی دست‌فروشان تهران مقابل ساختمان شورای شهر تهران نسبت به بلا تکلیفی معیشتی در شرایطی برگزار شد که در پی شیوع «ویروس کرونا»، دولت هیچ‌گونه حمایتی از آنان نکرده است.

### ۲۱ آبان

کارگران راه‌آهن تراورس ناحیه خراسان نسبت به تعویق پرداخت دست‌مزدها، پرداختن حق بیمه، عدم امنیت شغلی و شرایط نامناسب کار در برابر دادستانی تجمع کردند.

### ۲۲ آبان

کادر درمان دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر نسبت به ۳ ماه حقوق معوقه و سایر مطالبات پرداخت‌نشده خود و وعده‌های عمل نشده مسئولین دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه تولید مواد شوینده اهواز نسبت به اخراج از کار، پنجمین روز خود را در برابر محل کارشان و نهادهای دولتی از جمله، فرمانداری اهواز، اداره کل کار و استانداری خوزستان پشت سر گذاشت.

### ۲۴ آبان

کارگران پیمانکاری مجتمع کشت و صنعت کارون پس از وعده کارفرما مبنی بر پرداخت بخشی از مطالبات آنها، به تجمع شش روزه خود به طور موقت خاتمه داده که در صورت عملی‌نشدن وعده‌ها مجدداً دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

### ۲۷ آبان

تعدادی از کارگران میراب کشت و صنعت کارون بار دیگر

جمعی از آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی که پیش‌تر در شهرهای مختلف خوزستان نیز تجمع کرده بودند، در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تبدیل وضعیت شغلی خود به حق‌التدریس شدند.

### شهرداری

#### ۱ آبان

کارگران سایت پسماند صفیره اهواز نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی در مقابل ساختمان مرکزی شهرداری اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند، این کارگران ۷ ماه است که بیکار شده‌اند.

#### ۵ آبان

تجمع اعتراضی آبداران کهگیلویه و بویراحمد، برای اعتراض نسبت به عدم دریافت ۶ ماه حقوق و نداشتن قرارداد کاری و بیمه، در مقابل استانداری یاسوج، برگزار شد.

#### ۶ آبان

جمعی از کارگران و رانندگان سازمان خدمات موتوری شهرداری اهواز، به دلیل عدم پرداخت مطالبات مزدی و حق بیمه، مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.

#### ۷ آبان

شماری از کارگران آبدار شرکت آب و فاضلاب در مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویر احمد دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### ۱۰ آبان

جمعی از کارگران پیمانکاری آب و فاضلاب اهواز، با سفر به تهران در اعتراض به بلا تکلیفی ۱۴۰۰ نفر از همکارانشان در نتیجه عدم اجرای طرح تبدیل وضعیت استخدامی خود از کارگر پیمانکاری به قرارداد مستقیم، مقابل ساختمان وزارت نیرو تجمع کردند. مقامات مسئول در وزارت کار با یک گام عقب‌نشینی، وعده مساعد دادند تا در هفته‌های آینده مشخص شود که چه میزان به قول‌هائی که به کارگران دادند، پایبند هستند.

#### ۲۷ آبان

جمعی از کارگران و کارمندان آب‌فار، در مقابل ساختمان مرکزی اداره آب و فاضلاب روستایی، در مرکز استان خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار مطالبات معوقه خود شدند.

### کارگران دیگر

#### ۱ آبان

کارگران پروژه بزرگراه آهر- مشگین‌شهر واقع در استان آذربایجان شرقی، به دنبال توجالی درآمدن وعده یک هفته‌ای

در اعتراض به خلف وعده کارفرما در محوطه کارخانه تجمع کردند.

#### ۲۸ آبان

جمعی از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و با در دست داشتن پلاکارد و دست‌نوشته‌هایی و همچنین سر دادن شعار، خواستار رسیدگی به مطالبات‌شان شدند. گروه‌های مختلف بازنشستگان فلزکار مکانیک، بافنده سوزنی و افراد گروه تلگرامی بازنشستگان و مستمری بگیران حضور داشتند. در خاتمه تجمع اعتراضی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی، آنها طی نامه‌ای خطاب به روحانی، درخواست و نکات‌شان را مطرح کردند. پس از تجمع تراکت‌های دستی از طرف بازنشستگان فلزکار مکانیک توزیع شد. هم چنین نشریه امید، نشریه بازنشستگان فلزکار مکانیک میان بازنشستگان معترض توزیع شد، که جمعیت مشتاقانه آنها را گرفتند و برعکس دفعات قبل آن را در کیف خود پنهان نکردند و علنی در دست داشتند. همچنین تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی خوزستان با حضور مقابل اداره تأمین اجتماعی این استان برگزار شد و طی آن، نامه اعتراضی خود را به مسئولان این اداره تحویل دادند.

#### ۳۰ آبان

جمعی از صیادان استان‌های بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان در اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی خود دست به تجمع زدند.

#### اعتراضات مردمی

#### ۱۲ آبان

تعدادی از خانواده‌های جان‌باختگان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ با انتشار بیانیه‌ای یاد عزیزان جان‌باخته خود در آبان ۹۸ را گرامی داشتند. در این بیانیه آورده‌اند: «یکسال از آبان ۹۸ و مرگ عزیزانمان گذشت. یک لحظه درد فقدان‌شان ما را رها نکرده است. بسیاری از عزیزان ما در کف خیابان به قتل رسیدند. در زندان‌ها به قتل رسیدند و در نزارهای ماهشهر وحشیانه کشته شدند. آنها کشته شدند و امروز ما معترض‌تر و به‌جان‌آمده‌تر، دادخواهیم. قتل این عزیزان فراموش‌نشده‌ایست؛ نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم. ما کارگریم، ما معلمیم، ما بازنشستگانیم، ما جوانان به‌جان‌آمده از بی‌آیندگی و بیکاری هستیم. ما زنیم، ما مردیم، ما معیشت و کرامت انسانی می‌خواهیم. چقدر دزدی؟ چقدر اختلاس؟ چقدر زندان؟ چقدر اعدام؟ چقدر فقر؟ چقدر گرسنگی؟ در اعتراض به همه اینها در آبان ۹۸ به خیابان آمدیم؛ فرزندان ما، عزیزان ما، در دفاع از معیشت و کرامت انسانی و در اعتراض به این وضعیت جان‌شان را از دست دادند. ما خانواده‌ها، ما امضاکنندگان این نامه در سالگرد از دست‌دادن جانباختگانمان، با صدای بلند اعلام می‌کنیم که گلوله و زندان و اعدام نمی‌تواند صدای

حق‌خواهی ما مردم را ببرد...».

#### ۱۴ آبان

جمعی از تشکلهای و گروه‌های کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین دفاع از حقوق کودکان به مناسبت سالگرد تظاهرات سراسری آبان ماه ۹۸ بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند. در این بیانیه آمده است: «... ما مردم به تنگ آمده از فقر و گرسنگی و مخالف سرکوب، کشتار، شکنجه و اعدام، یاد جانباختگان آبان ۹۸ را در اولین سالگرد قتل‌عام‌شان گرامی خواهیم داشت؛ چرا که این وظیفه ماست که راه معترضین آبان را ادامه داده و همراه خانواده‌های کشته‌شدگان دادخواه آنان باشیم».

#### ۲۴ آبان

کانون نویسندگان ایران به مناسبت سالگرد اعتراضات مردمی آبان ۹۸ بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن می‌خوانیم: «... کانون نویسندگان ایران در سالگرد آبان ۹۸، بار دیگر حمایت خود را از حق اعتراض مردم و حق دادخواهی خانواده‌های قربانیان و زندانیان آبان ۹۸ و دی ۹۶ اعلام می‌کند و به حکومت هشدار می‌دهد که به سیاست ارباب و سرکوب معترضان و آزادی‌خواهان پایان دهد و همه زندانیان عقیدتی و سیاسی را بی قید و شرط آزاد کند».

#### ۲۵ آبان

اتحاد بازنشستگان در سالگرد اعتراضات آبان ۹۸ در بیانیه خود آورده است: «... ما بازنشستگان به عنوان قشری که سال‌ها با انواع مشکلات معیشتی و... دست به گریبان بوده‌ایم و شماری از معلمان، کارگران و بازنشستگان این دو قشر، زیر فشارهای امنیتی و زندان قرار داشته‌اند، خواهان آن هستیم که ضمن توجه به دغدغه‌های صنفی همه زحمتکشان، فشارهای امنیتی از روی همه مطالبه‌گران برداشته شود. هم چنین ماشین اعدام و زندان معترضان متوقف گردد و تمام بازداشتی‌ها به ویژه در این شرایط کرونایی، بی‌درنگ و بدون قید و شرط آزاد شوند. شورای بازنشستگان ایران در اطلاعیه‌ای به مناسبت آبان خونین آورده است: «... آنچه اتفاق افتاد، زخمی عمیق و تاریخی بر پیکره جامعه بود اما جامعه مرعوب نشد و اعتراضات و اعتصابات یکسال گذشته در کنار دادخواهی مصمم خانواده‌های کشته‌شدگان علی‌رغم تهدیدها و بازداشت‌ها با ابعادی وسیع‌تر ادامه یافت. آبان، ضمن اشاعه ترس و اضطراب در دل سرکوبگران، خشم عمومی و انگیزه و اشتیاق برای تعیین تکلیف و تغییر بنیادی را با قوت بیش‌تری تضمین کرده است».

\*\*\*

مبارزات کارگران، زحمتکشان و اقشار مختلف مردم شریف و آزادیخواه ایران با شور و هیجان و با از خود گذشتگی و دلیرانه ادامه دارد، ولی آنچه که به تمام این خصوصیات ارزشی دو چندان می‌دهد، تشکل و اتحادی سراسری می‌باشد که جایش در مبارزات هر روزه مردم ایران خالی است. آنچه که مبارزه «کار، نان، آزادی» را به پیروزی می‌رساند همانا تشکلی مستقل و رزمنده و صد البته سراسری است. •



معلمان ایران (تهران) آزادی ایشان را به همسر صبور و مقاوم، جامعه معلمان کشور و مردم آزادیخواه ایران تبریک و تهنیت می گوید.

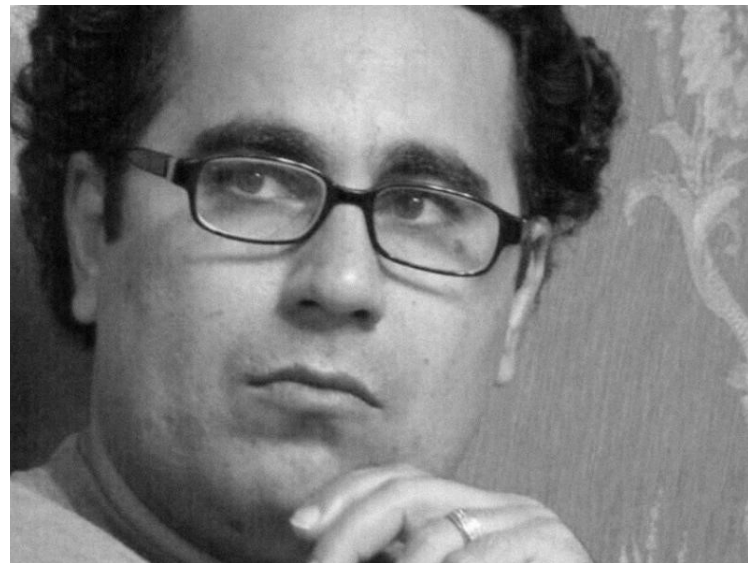
ما نه تنها بر این باوریم که فعالان صنفی مانند «محمود بهشتی»، «علی اکبر باغانی»، «رسول بدافی»، «محمود باقری»، «اسماعیل عبدی»، «محمد حبیبی»، «محمد تقی فلاحتی» و ... که هدفی جز اعتلای آموزش و فرهنگ این جامعه نداشته و ندارند، نباید با کوچکترین ناملایمتی روبرو شوند، بلکه شایسته می دانیم که اینگونه کنشگران صنفی، به عنوان بازتاب دهندگان کاستی های نظام آموزشی، قدر بینند و بر صدر نشینند.

با این وجود تمامی این عزیزان، احکام ناعادلانه زندان خود را در جهت تحکیم مناسبات جامعه مدنی پذیرفتند و دوران طولانی آن را کم و بیش، صبورانه تحمل کرده اند تا به بهترین شکل نشان دهند که قانون شکنان واقعی و برهم زنندگان امنیت اجتماعی چه کسانی هستند.

در همین راستا، از «اسماعیل عبدی» می توان نام برد که اگرچه دوران زندان خود را به پایان رسانده و با بیماری و مشکلات جسمی مختلف دست به گریبان است، اما به بهانه های واهی از آزادی او، ممانعت به عمل می آورند. «محمد حبیبی» نمونه دیگری است که دوران حبس تحمیلی را به تأیید مسئولان زندان با بالاترین درجه از بردباری و متانت گذرانده است.

لازم به یادآوری است آنچه در کنار درخشش نام این معلمان آزاده، معمولاً نادیده می ماند، مسئولیت پذیری، بردباری، عقلانیت، مداومت در پیگیری های حتی روزانه ای مسائل حقوقی توسط همسران و پر کردن جای خالی پدر برای فرزندان در حساس ترین مراحل زندگی است و هر کدام از این بانوان گرانقدر، می توانند الگو و نمونه ای باشند برای سایرین.

کانون صنفی معلمان تهران ضمن تأکید بر قانونی بودن فعالیت هایش، عملکرد مستقل، صنفی و مدنی خود و حفظ موضع همواره این سال ها در نفی برخوردهای امنیتی با فعالان صنفی؛ از رویکرد جدید قوه قضاییه در کاهش مجازات حبس استقبال می نماید ....».



## «محمد حبیبی»، زندانی سیاسی و عضو هیأت مدیره و مسئول تشکیلات کانون صنفی معلمان ایران، آزاد شد

«محمد حبیبی» عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، سرانجام پس از تحمل نزدیک به ۳ سال حبس، روز ۲۰ آبانماه ۱۳۹۹ از زندان تهران بزرگ آزاد شد. آزادی این معلم شریف نمی تواند موجب شادمانی آزادیخواهان ایران نگردد. «محمد حبیبی» جرمی مرتکب نشده بود که بازداشت و زندانی شود. وی آخرین بار در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ و در جریان شرکت در تجمع سراسری معلمان بخار دفاع از حقوق معلمان و دانش آموزان و بهبود زندگی فرهنگیان توأم با ضرب و جرح بازداشت و به قرارگاه ثارالله متعلق به سپاه پاسداران منتقل شد. «محمد حبیبی» در اواسط مرداد ۱۳۹۷ توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست «ماشاالله احمدزاده» بابت اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به هفت سال و شش ماه حبس تعزیری، به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۱۸ ماه حبس تعزیری و به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به ۱۸ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. در رابطه با آزادی «محمد حبیبی» کانون صنفی معلمان ایران (تهران) بیانیه ای مورخ ۲۴/۸/۹۹ صادر کردند که بخشی از آن را در زیر می خوانید:

«محمد حبیبی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پس از تحمل نزدیک به ۳ سال حبس روز ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۹ از زندان تهران بزرگ آزاد شد. کانون صنفی

**بی حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!**

## یک سال پس از آبان

آبان تمام نشدنی: بحران مشروعیت

این پرآزار گند جهان نیست

تعفن بیداد است

دوازده ماه اخیر از منظر شدت و کثرت بحران‌ها در تاریخ معاصر ایران بی‌مانند بوده است. خیزش آبانماه، که در پی خشم ناشی از سه برابر شدن بهای بنزین آغاز شد، توأمان بود با جان‌باختن صدها نفر. شمار بالای جان‌باختگان اعتراضات با هیچ‌یک از اعتراضات مسالمت‌آمیزی، که طی یک قرن گذشته در ایران رخ داد، قابل قیاس نیست. از باب نمونه، در اوج انقلاب سال ۱۳۵۷ و بعد از اعلام حکومت نظامی در مهرماه تا سقوط کامل نظام سابق در ۲۲ بهمن، یعنی در دوره پنج ماهه اوج بحران سیاسی پیش از سقوط نظام پادشاهی، شمار کل جان‌باختگان ۴۴۶ نفر برآورد شده است که بیش از ۱۵۰ نفرشان در قیام مسلحانه و جنگ‌های رویارو با نظامیان در روزهای پایانی حکومت سابق جان باختند. اما تعداد جان‌باختگان اعتراضات آبانماه در بازه پنج‌روزه‌ی بیست و چهارم تا بیست و هشتم آن ماه از رقم حداقلی ۲۳۰ تا ۱۵۰۰ نفر گزارش شده است. سرکوب عریان امر تازه‌ای در تاریخ معاصر ایران نیست، اما این آمار شگفت‌انگیز شمار جان‌باختگان تظاهرات اعتراضی مسالمت‌آمیز به روشنی از تحولی کیفی در رابطه‌ی حاکمیت و مردم خبر می‌دهد.

در پی رخدادهای آبانماه مجموعه‌ای باورنکردنی از شوک‌های بحرانی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نیز کشور را درنوشته که بازم بی‌سابقه است. استمرار بحران ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی در دیمه سال گذشته کشور را به آستانه‌ی رویارویی مستقیم نظامی به آمریکا کشاند و در اوج بحران شاهد شلیک موشک به هواپیمای مسافربری با ۱۷۴ مسافر بودیم. سپس، شیوع ویروس کرونا نیز کشور را درگیر بی‌سابقه‌ترین بحران بهداشتی و اجتماعی در تاریخ معاصر خود ساخته و طی دوره‌ی نه‌ماه‌ای حداثی آغاز اعلام رسمی شیوع ویروس کرونا در کشور تا اکنون، آمار رسمی جان‌باختگان از ویروس کرونا در کشور بیش از ۴۰ هزار نفر و بنابر برخی برآوردها، حدود یک‌صد هزار نفر را دربرمی‌گیرد. برای مقایسه، آمار کل کشته‌شدگان ایرانی در جنگ هشت‌ساله حدود ۱۹۰ هزار نفر است. برآوردی بدبینانه نشان می‌دهد که متأسفانه می‌توان انتظار داشت تا هنگام مهار بیماری کرونا احتمالاً آمار مرگ و میر ناشی از آن قابل قیاس با کل جان‌باختگان جنگ هشت‌ساله با عراق باشد.

طبیعی است در چنین شرایطی با جامعه‌ای پیوندگسیخته، خشمگین و پیش‌بینی‌ناپذیر روبرو باشیم. حجم تکان‌دهنده‌ی استفاده از ابزارهای قهرآمیز طی یک سال اخیر همراه بوده با ناکارآمدی دو ابزار دیگر حکمرانی، یعنی اولاً ابزار اقتصادی برای استمرار زندگی اقتصادی و انباشت سرمایه و توزیع درآمد و ثانیاً ابزار مشروعیت‌بخشی ایدئولوژیک به‌منظور همسوسازی

اذهان بخش بزرگی از مردم با سیاست حاکم. در حقیقت، این شدت سرکوب خود ناشی از ناکارآمدی و فقدان ابزارهای اقتصادی و ایدئولوژیک مشروعیت‌بخش بوده است.

استمرار شرایط موجود به چه چیزی منتهی می‌شود؟ از سویی نظم اقتصادی و سیاسی در شرایط انسداد بحرانی قرار دارد و قادر به برون‌رفت از بحران نیست چرا که مجموعه سیاست‌هایی که باید برای برون‌رفت از بحران به آن متوسل شود، مستلزم کاهش منافع فرادستان است. اما همین حاکمان ضمن آنکه هیچ اصلاحی را در وضع موجود برنمی‌تابند، در برابر شکل‌گیری هرگونه اراده‌ی مردمی حاضر به کم‌ترین عقب‌نشینی نیز نبوده‌اند. علی‌الحساب شاهد صف‌آرایی نابرابر نیرویی بس قدرتمند در برابر طبقات مردمی هستیم که با اتکای صرف به قوه‌ی قهر درصدد استمرار وضع موجود است.

در این میان، حاکمیت بی‌اعتنا به آنچه در دل جامعه می‌گذرد، کماکان درگیر بازی‌های انتخاباتی و رقابت‌های جناحی و دعوا برسر اینکه چه کسی مذاکره‌کننده بهتری است و دیگر مسایلی است که برای اکثریت جامعه محلی از اعراب ندارد. هر دو جناح غرق در فساد مالی، انحطاط اخلاقی و ورشکستگی سیاسی‌اند و مردم نیز دیر و تلخ اما به درستی دریافته‌اند که آزموده را آزمودن خطاست.

این رویارویی مستمر با مردم، در عمل، به اضمحلال هرچه بیش‌تر فابریک اجتماعی منتهی شده و منتهی خواهد شد. انواع آسیب‌های اجتماعی به سطوح هراسناکی رسیده است. به عنوان یک نمونه تنها به خبرهای تکان‌دهنده‌ی گسترش خودکشی در میان نوجوانان در ماه‌های اخیر توجه کنید. چنانکه گویی در میان فرودستان دیگر یگانه راه برون‌رفت خودکشی است و در میان لایه‌های بالایی طبقه‌ی متوسط نیز مهاجرت!

در این رویارویی، نیروهای آگاه و مترقی وظیفه دارند به مردم بیاموزند که راه اعمال اراده‌ی جمعی در تشکیل‌یابی‌شان است. تا هنگامی که نتوانند اراده‌ی جمعی خود را به صورت متشکل اعمال کنند، در این جنگ نابرابر یا شکست می‌خورند یا باید در پی راه فردی برای فرار از مهلکه باشند و دنبال کردن راه‌های فردی نیز برون‌رفت جمعی از انسداد را صرفاً دشوارتر می‌کند. نه نجات‌دهنده‌ای در خارج هست و نه منجی را باید در میان جناح‌های سیاسی غرق در فساد جست‌وجو کرد. امید تنها ستونی است که می‌تواند ساختمان این جامعه‌ی در شرف فروپیزی را نجات دهد. امید را نباید جست‌وجو کرد و یافت. امید را باید ساخت. ساختن امید مبارزه‌ی دشوار و طولانی است. شکست از پی شکست می‌آید و خواهد آمد. اما زمین‌خوردگان باید بار دگر بر پاهای خود بایستند و بازم تقلا کنند تا شاید گامی به جلو بردارند. نخستین تقلا، گرفتن دست‌های یکدیگر است که معنای آن در میدان عمل سیاسی یعنی «تشکیل‌یابی» و مهم‌ترین تلاش نیز همگرایی این تشکلهاست که در میدان عمل سیاسی یعنی «جبهه». راه دیگری برای برون‌رفت نیست.

تلخیصی از مقاله اقتصاددان مقیم ایران، آقای پرویز صداقت

منبع: نقد اقتصاد سیاسی •

یاد رفقای جانباخته «شنبه سرخ» و همه جانباختگان راه آزادی،  
استقلال و سوسیالیسم گرامی باد!

\*\*\*

مختصری از تاریخچه «شنبه سرخ» سیزده آبان معروف به «شنبه سرخ»؛ روز دانش آموز!

۱۳ آبان، روز دانش آموز است، روز یادآور حماسه خونین هزاران دانش آموزی است که در ۱۳۵۷ به حمایت از اعتصاب آموزگاران، به حمایت از اعتصاب هزاران نفر از کارگران نفت خوزستان، کارگران و کارمندان شرکت ملی گاز ایران، اعتصاب کارگران و کارمندان دخیانیت، اعتصاب کادر پزشکی بیمارستان‌ها، اعتصاب کارکنان آب تهران و به حمایت و همبستگی از تظاهرات پُر شکوه مردم در سراسر ایران یکپارچه به میدان آمدند و با پیوستن به دانشجویان انقلابی در مقابل دانشگاه تهران با نیروی گارد شاهنشاهی رژیم منفور پهلوی قهرمانانه دست به نبرد زدند. در اثر یورش وحشیانه نیروی سرکوبگر، ده‌ها تن از دانش آموزان به خون درغلطیدند. در این روز تاریخی، جوانان انقلابی میهن ما با توده‌های رنج و کار پیمان خونین خویش را هرچه مستحکم‌تر ساختند. فریاد رسای جوانان، که توفید: «دانشگاه سنگر آزادی است نه لانه جاسوسان»، رژیم سرسپرده شاه را به لرزه درآورد. پی آمد حماسه «شنبه سرخ» جوانان انقلابی مجسمه شاه را در صحن دانشگاه تهران به خاک کشیدند. شعله‌های خشم توده‌های ستم‌دیده جوانان از فراز دانشگاه هرچه مشتعل‌تر به آسمان زبانه کشید. عکس درباریان طعمه آتش گشت و شور انقلابی به اوج رسید. تا سرانجام برغم تمامی توطئه‌ها، سرنیزه‌ها، حبس و شکنجه و اعدام مخالفین و مبارزین انقلابی و کمونیست، شاه با تاج و تخت فرسوده سلطنت به مزبله تاریخ راهی گشت.

با روی کار آمدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، ۱۳ آبان، حماسه «شنبه سرخ»، به «حماسه مبارزه علیه استکبار جهانی، روز دانشجویان خط امام، روز تسخیر سفارت آمریکا و روز تبعید خمینی به ترکیه» تبدیل گشت! اما رژیم برغم تمام ریاکاری‌ها و تبلیغات دروغین موفق نشد این روز تاریخی را مصادره کند. «شنبه سرخ» «پس از پیروزی انقلاب بهمین بنام نشریه سراسری اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران ثبت گردید، که نقش موثری در مبارزه علیه رژیم اسلامی و ارتقاء سطح آگاهی دانش آموزان ایفا کرد و در همین رابطه شماری از اعضا و رهبران این اتحادیه توسط رژیم تبهکار جمهوری اسلامی تیرباران شدند.

«شنبه سرخ» روز دانش آموز گرامی باد!

ننگ و نفرت بر رژیم‌های شاه و شیخ •



## برگی در تاریخ

«شنبه سرخ»، روز دانش آموز گرامی باد

۱۳ آبان، روز دانش آموز، حماسه «شنبه سرخ» است. «شنبه سرخ» نام نشریه اتحادیه دانش آموزان ایران بود که در بهار آزادی و در فضای انقلابی تأسیس گردید، به سرعت رشد کرد و در دفاع از آزادی و دست‌آوردهای انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷ و آگاهی‌بخشیدن به دانش آموزان نقش ارزنده‌ای ایفا نمود. نشریه «شنبه سرخ» به طور مرتب انتشار می‌یافت و در قلوب بسیاری از دانش آموزان جای گرفته بود و هر روز بر تیراژش افزوده می‌شد. روزی نبود که اتحادیه دانش آموزان - «شنبه سرخ» مورد هجوم وحشیانه تاریک‌اندیشان و چماق‌داران حزب‌اللهی قرار نگیرد. بارها اعضای اتحادیه شنبه سرخ به خاطر فعالیت خستگی‌ناپذیر و آگاهی‌بخش و افشاگرانه‌شان از مدارس اخراج و مورد آزار و اذیت و سرکوب قرار گرفتند. بعد از کودتای ۳۰ خرداد ۶۰ فرمان سلاخی انقلابیون و ریشه‌کن کردن انقلاب توسط رهبر جمهوری اسلامی، خمینی جلاد و اصلاح‌طلبان رنگارنگ کنونی آغاز شد و اعدام‌های جنون‌آمیز جوانان، شکنجه و تجاوز به دختران باکره قبل از تیرباران و سرکوب وحشیانه خانواده‌های داغدار شرط بقای رژیم کثیف و ضدبشری نظام اسلامی گردید. در این بین اعضای «شنبه سرخ» نیز از زیر تیغ سلاخی رژیم اسلامی گذشتند و ده‌ها تن از یاران و نونهالان این اتحادیه به جوخه اعدام سپرده شدند. رفقا «نبی مفیدی» ۱۴ ساله، «مهدی شیرخدا»، «داریوش اسفراینی»، «مسعود نائیبان»، «داریوش انصاری» و ده‌ها دانش آموز پُر امید دیگر اعضای اتحادیه «شنبه سرخ» یا به زندان افتادند و یا بلافاصله در سال‌های ۶۰ تا ۶۳ تیرباران شدند. رفیق «داریوش فاضلی» یکی از اعضای رهبری اتحادیه دانش آموزان «شنبه سرخ» و مسئول کل تشکیلات مازندران بود، که به جرم وفاداری به آرمان کمونیستی و دفاع از کارگران و زحمتکشان در مهرماه ۱۳۶۲ تیرباران شد. ما یاد و خاطره رفیق «داریوش فاضلی» و ده‌ها تن از اعضای جانباخته «شنبه سرخ» و هزاران جوان و نوجوان دانش آموز مبارز و انقلابی را که توسط رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی تیرباران شدند، گرامی می‌داریم و ایمان داریم که روزی مردم شریف ایران انتقام خون این جوانان را با سرنوشتی رژیم سرمایه‌داری اسلامی، محاکمه و مجازات عاملان و آمران این کشتار بی‌رحمانه خواهد گرفت و جز این نیز نخواهد شد.



## پیشرفت «جهان متمدن» غرب بدون مکیدن خون «جهان وحشی» شرق ممکن نبود

دنیای «متمدن» سرمایه‌داری غرب، چگونه صنعتی شد و از شرق پیشی گرفت؟! چگونه بانکداران و رباخواران لندن، پارسی و اشرافیت زمین‌دار و همه آنانی که خدایشان «پول» بود، بنیان صنعتی خود را ساختند؟!

نگاهی گذرا به تاریخ نه چندان دور، به ما می‌آموزد که این متجاوزان و استعمارگران بین‌المللی، بدون قتل عام ۶۰ میلیون سرخ‌پوست آمریکائی و غارت طلا و نقره آنان، بدون استثمار وحشیانه و بی حد و حصر سیاهان آفریقا، تحت نام تجارت برده، که حدود ۱۵ میلیون آفریقایی را با غل و زنجیر برای کار بردگی در مزارع به غرب انتقال دادند، امکان صنعتی شدن نداشتند! و در یک کلام، آیا صنعتی شدن جهان سرمایه‌داری بدون استثمار و استثمار ممکن بود؟

سراسر قرون گذشته تا به امروز، غارت ثروت کشورهای مغلوب، توسط نظام جنگ افروز و سلطه‌گر سرمایه‌داری غرب و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، گذشته است. کشتار و آواره ساختن میلیون‌ها انسان بیگناه در خاورمیانه را همه ما شاهد بودیم. «تاریخ شکل‌گیری تمدن غرب» با قتل، غارت و تجاوز شروع شد و کماکان، اما در اشکال مختلف، ادامه دارد. هر گروه، سازمان، حزب و حتی فرد، در مبارزه علیه بی‌عدالتی و استبداد و سرکوب، نباید سیاست‌های مزورانه سرمایه‌داری جهانی را نادیده بگیرد، زیرا که ذات نظام سرمایه‌داری، علی‌رغم تفاوت ظاهری‌شان، یکسره بر پایه پول و باز هم پول سرشته شده است و در این سیاست راهبردی‌شان، پیشیزی برای «حقوق بشر و دموکراسی»، برای جان انسان‌ها و طبیعت و محیط زیست، ارزش قائل نیستند. آنانی که ناآگاهانه مدافع سرمایه‌داری غرب و علاقمند به «دموکراسی» غربی هستند و در مبارزه علیه نابرابری و دیکتاتوری دست به دامن اجنبی دراز کرده و از غرب استعمارگر یاری می‌طلبند، هنوز نه تنها مبارز پیگیری نیستند، بلکه شناخت درستی از سیستم سرمایه‌داری ندارند. اینان باید نگاهی به کودتای شوم ۲۸ مرداد در ایران و صدها کودتای خونین در جهان توسط امپریالیست‌ها بویژه امپریالیسم آمریکا بیفکنند. و آنانی که آگاهانه به دفاع از امپریالیسم مشغول‌اند و خواهان تحریم بیش‌تر و حتی حمله نظامی‌اند، بی‌برو برگرد مزدورند! مبارزه با هرگونه رژیم‌های دیکتاتوری و مبارزه علیه هرگونه فساد و تباهی و ریاکاری، چه در ایران و چه در جهان، جدا از مبارزه علیه جنایتکاران و جنگ‌افروزان بین‌المللی نیست.



## به مناسبت سی و پنجمین سالگرد تیرباران رفیق «محمد رضا کسائی»

رفیق «محمد رضا کسائی»، این فرزند وفادار طبقه کارگرایان، در آذرماه ۱۳۶۴ در زندان تبریز اعدام گردید. رفیق «محمد رضا کسائی» از مبارزان با سابقه حزب ما و از معلمین محبوب و دوست داشتنی مردم خوی بود. او در سال ۱۳۶۲ به همراه رفیق همسر قهرمانش دستگیر گردید. پس از تحمل شکنجه‌های طولانی، هنگامی که به ذلت تسلیم تن نداد و به آرمان حزب خویش پشت نکرد، در بی‌دادگاه‌های رژیم به ۳۵ سال زندان محکوم گردید (رفیق همسرش نیز به به ۳۰ سال زندان محکوم گردید). جمهوری اسلامی، که از این رفیق کینه بر دل داشت و روحیه تسلیم‌ناپذیر و سرسخت او را نمی‌توانست تحمل کند، به شیوه‌ای رذیله‌نوی را به شهادت رساند به این خیال باطل که با کشتن یک کمونیست می‌تواند به عمر کمونیسم پایان دهد و خطر کمونیسم را در ایران ریشه کن نماید. خیال بیهوده‌ای که جوشش خون این مبارزان سرسخت و حاصل ثمرات مبارزات آنها، که پشتوانه جذب هزاران جوان پرشور به راه آنهاست، بطلان این خیال پوچ را روشن خواهد کرد.

حزب ما، یاد این رفیق کمونیست را به همراه صدها کمونیست دیگر، که عاشقانه بر علیه رژیم سرمایه‌داری فاشیستی جمهوری اسلامی جنگیدند و تسلیم نشدند و جان گرامی خویش را نثار راه خلق‌مان کردند، گرامی می‌دارد و در راه تحقق آرمان‌های آنها، رفقای خود را به مبارزه‌ای وسیع‌تر و متشکل‌تر فرامی‌خواند.

یاد رفیق «محمد رضا کسائی» گرامی و راهش پر رهرو باد!  
برگرفته از کتاب جانباختگان توفانی چاپ دوم اردیبهشت  
۱۳۹۳



طبیعت مقهور می‌گردد، بسیار دردناک و حزن‌انگیز است که البته در ذهن خواننده مسببی جز رژیم فاسد اسلامی ندارد. واضح است که حقایق روشنی در مطالب پیش گفته موجود است، ولی آنچه از دید و ذهن مخاطب غیرحرفه‌ای مستتر است، زوایائی دیگر از این فاجعه انسانی است که ناروا نیست، اگر نام جنایت بر آن گذاریم که صد البته به عمد در گزارش بسیاری از رسانه‌ها مغفول ماند.

بنابر گزارش خبرگزاری آلمان DW «دویچه وله» بر پایه تازه‌ترین گزارش سازمان ملل شمار پناهجویان و آوارگان در سال ۲۰۱۸ به نسبت دو دهه پیش دو برابر شده است. در سال گذشته تعداد کسانی که به اجبار سکونت‌گاه خود را ترک کرده‌اند، به ۷۰ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسید. به گزارش همین خبرگزاری «بیش‌ترین آوارگان جهان در سال ۲۰۱۸ شهروندان کشورهای جنگ‌زده، از جمله سوریه، افغانستان، سودان جنوبی، میانمار و سومالی بوده‌اند. تعداد آوارگان سوری شش میلیون و ۷۰۰ هزار نفر ثبت شده است».

برای روشن‌تر شدن صورت مساله به گزارشی دیگر از BBC فارسی اشاره می‌کنیم بنا به تحقیقات بی‌بی‌سی و وزارت کشور بریتانیا، «در سال ۲۰۱۸ میلادی ۲۹۷ نفر با قایق‌های کوچک خود را به بریتانیا رسانده‌اند. در سال ۲۰۱۹ این رقم به ۱۸۴۰ نفر رسید، و در نه ماهه سال جاری میلادی هم هشت هزار نفر از این راه وارد بریتانیا شدند که اکثراً ایرانی هستند». با کمی تأمل در این گزارشات متوجه می‌شویم که رشد بی‌سابقه آوارگی در جهان مربوط به دو یا نهایتاً سه دهه گذشته است. پرسش اساسی این است: مولفه اساسی متغیر در شرایط جهانی در این سه دهه چه چیزی بوده که نتایجی چنین سهمگین داشته؟ دیکتاتوری رژیم‌های مذهبی چون ایران یا انواع دیگر سرکوب یا فساد مالی در رژیم‌های دیگر مولفه‌ای بوده که در دوران مذکور تقریباً ثابت یا در برخی موارد رو به کاهش بوده است، ولی در مقابل شاهد افزایش جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای بوده‌ایم که تماماً ناشی از مداخلات نظامی آمریکا و همپیمانان آن بوده است. در تحلیل نهایی رشد نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی در عرصه بین‌المللی را در سیاست‌های مالی و اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌توان ارزیابی کرد. پیگیری این سیاست‌های مالی از سوی کشورها به اضافه سیاست‌های مداخله‌جویانه ایالات متحده در بسیاری از کشورها از جمله ایران و ونزوئلا مهم‌ترین مولفه در وخامت اوضاع در جهان است. درگیری‌های سوریه، عراق، لیبی و یمن با حمایت آمریکا و متحدین منطقه‌ای را نیز به این فهرست اضافه کنید. در مورد ایران بالاخص اعمال تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا و تشدید معضلات اقتصادی یکی از مولفه‌های مهم در ایجاد شرایط وخیم زندگی مردم است. در این میان عدم پابندی کشورهای اروپائی به میثاق‌های بین‌المللی امور پناهندگان و پناهجویان و رشد راسیسم در این ممالک را نیز نمی‌توان از دید پنهان داشت.

حال با نگاهی اجمالی به حوادث منجر به مرگ پناهجویان در مسیرهای پرخطر درمی‌یابیم این نه یک معضل ایرانی، بلکه یک معضل جهانی ناشی از سیاست‌های نئولیبرالیستی جهان سرمایه‌داری است که در این سه دهه هارتر از قبل مشغول دریدن جهان است. پس باید نامی شایسته‌تر بر این قربانیان مهاجرت نهاد. بهتر است نام خانواده «ایران نژاد» را «جهان نژاد» صدا بزنیم. نژادی جهانی که قربانی سیاست‌های عده‌ای قلیل ولی مسلط در سراسر جهان است.



## در حاشیه غرق شدن قایق پناهندگان ایرانی و اشک تمساح ممالک امپریالیستی

واقعۀ غرق شدن خانواده پنج نفره ایران‌نژاد در «کانال مانش» در ماه گذشته در حالی که تلاش می‌کردند با یک قایق کوچک خود را از راه آب به انگلستان برسانند، در صدر اخبار بسیاری از رسانه‌ها نشست. حکایتی دردناک از ناکامی خانواده‌ای جوان متشکل از والدین و سه فرزند خردسال، که در آرزوی رسیدن به یک زندگی ایده‌آل سرنوشت خود را به دست قاچاقچیان سپردند و از راه کوه، جنگل و دریا سعی در رسیدن به انگلستان را داشتند و نهایتاً به کام مرگ رفتند.

بازتاب خبر در بیش‌تر رسانه‌های خارجی دلالت بر نوعی فرار از دیکتاتوری مذهبی و غیرروادار و در عین حال فشار اقتصادی حاکم بر جامعه ایران در نتیجه فساد و رانت موجود داشت. چیزی که به طور متدوال در طول چهل سال گذشته می‌توان بر آن صحنه گذاشت. در این میان ایهام موجود در نام خانوادگی جانب‌اختگان، کنایه‌ای به وضعیت وخیم مردم در ایران امروز دارد. «ایران‌نژاد» شاید تداعی نژادی است که علی‌رغم شایستگی خود در بهره‌وری از مواهب طبیعی و اجتماعی گرفتار مخمصه‌ای تاریخی به نام جمهوری اسلامی گشته است و در راه فرار از آن اینچنین خود را به آب و آتش می‌زند.

انتشار فیلمی از تست بازیگری دختر خردسال خانواده به قصد ایفای نقش در یک اثر سینمایی، که در آن بلافاصله بعد از قهقهه‌زدن قادر به گریستن است و در عین حال صدای پدر، که در پس زمینه او را هدایت و تشویق می‌کند، موجی از احساسات در مخاطب ایجاد می‌کند. روایت پدری امروزی، که برای نیل به اهداف والای خود و خانواده و نجات همسر و فرزندان از وضعیت حاکم بر ایران دست به چنین مخاطره‌ای می‌زند و نهایتاً در جدالی دردناک با قهر



## ریاکاری دولت فرانسه به بهانه «آزادی بیان»

مجله «شارلی ابدو»، که مدافع سیاست‌های امپریالیسم فرانسه در حمله نظامی به لیبی، سوریه و ... است، کاریکاتوری از پیامبر مسلمانان منتشر کرده بود که دماغش را به شکل آلت مرد و عمامه‌اش را شبیه بیضه‌ها تصویر نموده و تحت لوای «لایسته و آزادی بیان» چاپ نمود. هدف از این کار، نفرت‌پراکنی و توهین آشکار به مسلمانان و توجیه جنگ افروزی و کشتار و غارت دولت فرانسه بود. اتخاذ چنین روشی اوج بی‌شرمی بود و هست. لذا بی‌پاسخ نماند و تاوانش را پرداخت کرد که البته این رشته سر دراز خواهد داشت.

«مکرون»، این گماشته نظم سرمایه‌داری جنگ افروز فرانسه، حتماً می‌داند که اینگونه اعمال موجب تقویت نژادپرستی و پاگرفتن جریان‌های شبه فاشیستی خواهد شد و هیچ ربطی به آزادی مطبوعات و مبارزه علیه جهل و خرافات مذهبی ندارد و لذا به عمد دست به چنین روش‌های رذیله‌آمیز می‌زند تا خود را دموکرات و حامی «حقوق بشر» جا زده و تجاوزگری‌اش به خاورمیانه و آفریقا را موجه جلوه دهد. بعلاوه به نفرت از مهاجرین مسلمان، که خود یکی از مسببین اصلی آوارگی آنان بود، دامن زند

اگر بریده‌شدن سر یک معلم و چند نفر انسان بی‌گناه دیگر در فرانسه، توسط افراد مسلمان و متعصب محکوم است، که هست، و هیچ انسان شریفی نمی‌تواند طرفدار نسل‌کشی و یا سر بریدن باشد، پس حتماً کشتن ۱۱ تن از «جلیقه زردها» و دستگیری و زخمی کردن بیش از ده هزار نفر از آنان، که ۲۰ تن از آنها نابینا و قطع عضو شدند هم محکوم و بانیانش، یعنی «مکرون» و باندش، باید به محاکمه کشیده شوند!

اگر کشتار کارکنان مجله «شارلی ابدو» و چهار نفر اخیر محکوم هست و به درستی وجدان بعضی‌ها را معذب نموده، پس حتماً کشتار مسلمانان نمازگزار، در سال ۲۰۱۹ در دو مسجد در شهر «کرایت چرچ» نیوزیلند، هم باید وجدان‌شان را جریحه‌دار نماید. عامل حمله یک استرالیایی ۲۹ ساله بود که با دوربین نصب شده روی کلاه خود، به رگبارستن مسلمانان را فیلم‌برداری کرد. در این حمله ۵۱ تن جان باختند و ۴۸ نفر شدیداً مجروح شدند. کشته‌شدگان بین ۳ تا ۷۷ سال سن داشتند و همگی مسلمان بودند. مقام‌های نیوزیلندی خواهان حذف این تصاویر از تمامی شبکه‌های اجتماعی شدند. لابد کمتر به خاطر انسان‌دوستی و بیش‌تر از ترس خشم مسلمانان جهان!

چطور است که سربریدن یک فرانسوی در حومه پاریس وحشی‌گری و ضدانسانی و شوک‌آور است، اما سربریدن صدها بلکه هزاران انسان در سوریه و عراق توسط داعشیان دست پرورده دولت فرانسه، آمریکا، انگلیس و اسرائیل، عین «دموکراسی و حمایت از حقوق بشر» محسوب و تبلیغ می‌شود؟! امپریالیسم آمریکا هم در سرکوب و کشتار سیاهان و لاتین‌تبارها و مسلمان‌ها، به ترویج فاشیسم و راسیسم دامن می‌زند. چرا؟ برای اینکه در زمان بحران‌های عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، سرمایه‌داری قادر به کنترل اعتراضات افشار و طبقات فرودست نیست و لذا فاشیسم را در دستور کار قرار می‌دهد. به سخن دیگر، فاشیسم نشانه بحران سرمایه‌داری در حال زوال است. فاشیسم، دیکتاتوری تروریستی‌هایارترین عناصر سرمایه‌داری است. بروز فاشیسم ربطی به این جناح و آن جناح، ربطی به «ترامپ» و یا «بایدن»، ربطی به اصولگرا و اصلاح‌طلب ندارد. نظم درب و داغان سرمایه‌چینی می‌طلبد.

مگر افکار به غایت مذهبی و ارتجاعی «ترامپ»، «پمپئو»، «مایک پنس» و «جو بایدن» و معاونش کم‌تر از باورهای اسلام‌گرایان تندرو و ارتجاعی است. تروریسم که مختص مذهب خاصی نیست. تروریسم دولتی آمریکا و غرب میلیون‌ها بار وحشی‌تر از دست‌پروردگان خود چون داعش و طالبان‌اند. کسانی که تحت تأثیر تبلیغات دولت فرانسه و رسانه‌های مزدور ایرانی «من و تو» و او، در هیاهوی «آزادی بیان» طرف غرب می‌ایستند و از آنها حمایت می‌کنند و مسلمان‌ها را به باد ناسزا می‌گیرند، سخت در اشتباه‌اند. هر انسانی بخواد علیه ستم و بی‌عدالتی در جهان، مبارزه کند، سوای باورهای ایدئولوژیکی شایسته احترام است، خواه شیعه، خواه سنی خواه مسیحی یا یهودی و یا خدا ناباور باشد. جنگ‌افروزی، کودتا، توطئه، حمایت از ارتجاعی‌ترین نیروها و حکومت‌های سرکوبگر در ذات امپریالیست‌هاست چه جمهوری‌خواه و چه دموکرات‌ها. آن کسانی که جانب یکی از این دو را گرفته و به مردم خود تکیه نمی‌کنند، دارند به کشورشان خیانت می‌کنند. بشریت و مردم ایران تاوان سنگینی از فساد و تباهی و سیه‌روزی نظام سرمایه‌داری پرداخت نمودند و دیر یا زود به این نتیجه خواهند رسید که باید مدافع سوسیالیسم بود.



## سیاست خارجی «جو بایدن»

خطوط برجسته برنامه سیاست خارجی، که «جو بایدن» پس از استقرار در کاخ سفید به اجرا خواهد گذاشت، کدام است؟ خود او این موضوع را به دقت در مقاله‌ای (در مجله Foreign Affairs، مارس / آوریل ۲۰۲۰) از پیش اعلام کرد که اساس تخت‌پرش ۲۰۲۰ را تشکیل می‌دهد و در ماه اوت نیز از سوی حزب دموکرات مورد تأیید قرار گرفت.

تیر مقاله بسیار روشن است: «چرا آمریکا باید دوباره هدایت کند. نجات سیاست خارجی ایالات متحده پس از ترامپ». به این ترتیب «بایدن» سنتی از برنامه سیاست خارجی خود عرضه می‌کند: در حالی که «رئیس جمهور ترامپ هم پیمانان و همکاران را تضعیف و رها کرده، و از رهبری آمریکا نیز کناره‌گیری کرده است، به عنوان رئیس جمهور فوراً برای تمدید پیمان‌های ایالات متحده اقدام خواهد کرد، و به گونه‌ای که آمریکا یکبار دیگر جهان را هدایت کند».

نخستین اقدام تقویت ناتو خواهد بود که قلب امنیت ملی ایالات متحده است. «بایدن» برای تحقق چنین امری «سرمایه‌گذاری‌های ضروری» را انجام خواهد داد برای اینکه ایالات متحده جایگاه قدرتمندترین نیروی نظامی جهان را برای خود حفظ کند، و همزمان، براساس تعهداتی که در گذشته توسط دولت اوباما و بایدن مطرح شده، عمل خواهد کرد و می‌گوید که «همپیمانان ما در ناتو برای دفاع باید هزینه‌هایشان را افزایش دهند».

دومین اقدام در نخستین سال ریاست جمهوری، فراخوان برای «گردهمآیی جهان برای دموکراسی» خواهد بود: در این گردهمآیی «ملت‌های جهان آزاد و سازمان‌های جامعه مدنی سراسر جهان، که در دفاع از دموکراسی در صف مقدم هستند، شرکت خواهند کرد. گردهمآیی برای «اقدام مشترک علیه تهدیدات جهانی» تصمیم خواهد گرفت. پیش از همه برای «جلوگیری از تجاوز روسیه، با حفظ بُرندگی توانایی‌های نظامی متفقین و تحمیل هزینه واقعی به روسیه وقتی که اصول و موازین

بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد».

«بایدن» مشخصاً می‌گوید به این علت که «جهان به تنهایی سر و سامان نمی‌یابد»، ایالات متحده باید دوباره «نقش رهبر را در تدوین موازین به عهده بگیرد، همان گونه که طی ۷۰ سال ریاست جمهوری دموکرات و جمهوری خواه چنین کرده‌اند تا اینکه دونالد ترامپ سر کار آمد». این است خطوط اصلی برنامه سیاست خارجی دولت «بایدن» که برای انجام آن متعهد شده است.

این برنامه با مشارکت بیش از ۲ هزار مشاور در امور سیاست خارجی و امنیت ملی، سازمان یافته در ۲۰ گروه کاری تدوین یافته و فقط برنامه «بایدن» و حزب دموکرات نیست. این برنامه در واقع شیوه بیان مشترک هر دو حزب بوده و چگونگی آن به تصمیم‌های بنیادی در زمینه سیاست خارجی و پیش از همه در اموری که مربوط به جنگ [ها] می‌باشد، بستگی داشته و منشأ آن در ایالات متحده به دو حزب [دموکرات و جمهوری خواه] بازمی‌گردد. این موضوع توسط بیش از ۱۳۰ مقام بلندپایه جمهوری خواه (بازنشسته و در خدمت) در اعلام رأی علیه جمهوری خواه «دونالد ترامپ» به نفع «جو بایدن» دموکرات در ۲۰ اوت تأیید شده است. بین آنان «جان نگرپونت» [۱] دیده می‌شود که «جرج والکر بوش» در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ ابتدا او را به عنوان سفیر در عراق (با مأموریت سرکوب مقاومت) و سپس به عنوان رئیس سرویس‌های سری ایالات متحده آمریکا برگزیده بود.

دست کم یک گواه دیگر بر این مدعا وجود دارد و آن هم این است که «بایدن» عضو حزب دموکرات در گذشته در مقام رئیس هیئت امور خارجه سنا، در سال ۲۰۰۱ از تصمیم رئیس جمهور بوش برای حمله و اشغال افغانستان پشتیبانی کرد و در سال ۲۰۰۲ قطعنامه‌ای دو حزبی به امضای ۷۷ سناتور را معرفی کرد که به رئیس جمهور بوش اجازه داد تا با متهم کردن عراق به گسترش و دراختیارداشتن جنگ‌افزار کشتار جمعی (که بعداً دروغ بودن آن آشکار شد)، در آب به این کشور حمله و سپس آن را اشغال کند. همواره در دوران دولت «بوش»، وقتی که نیروهای آمریکایی از عهده کنترل عراق اشغالی بر نمی‌آمدند، «جو بایدن» در سال ۲۰۰۷ طرحی را مبنی بر «تمرکززدایی عراق و تجزیه آن به سه منطقه مستقل کرد، سنی و شیعه» به سنا معرفی کرد: به سخن دیگر قطعه قطعه کردن عراق در خدمت استراتژی ایالات متحده آمریکا.

به همین گونه، وقتی «جو بایدن» طی دو دوره معاون رئیس دولت اوباما بود، جمهوری خواهان از تصمیم دموکرات‌ها برای جنگ علیه لیبی، عملیات در سوریه و رویارویی جدید علیه روسیه پشتیبانی کردند.

حزب زیر مجموعه‌ای را که در صندوق آراء ظاهر نمی‌شود، به کار خود برای اینکه «آمریکا یکبار دیگر جهان را هدایت کند» ادامه می‌دهد.

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه. پاریس. ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰

Manlio Dinucci

Édition de mardi 10 novembre 2020 d'il manifesto  
<https://ilmanifesto.it/la-politica-estera-di-joe-biden/>





## موضوع ناگزیری جنگ‌ها بین کشورهای سرمایه‌داری

ایالات متحده آمریکا را انجام می‌دهند. لکن «تا ابد» می‌تواند «روبراهی» نادرست می‌بود، اگر فکر می‌کردیم که این حفظ شود و این کشورها الی غیرالنهایه سیادت و ستم ایالات متحده آمریکا را تحمل کرده و نخواهند کوشید از انقیاد آمریکا برهند و در راه تکامل مستقل قدم گذارند.

قبل از همه انگلیس و فرانسه را در نظر بگیریم. بدون تردید این کشورها امپریالیستی هستند. بدون تردید مواد خام و بازارهای فروش تأمین شده برای آنان اهمیت درجه اول دارند.

آیا می‌توان عقیده مند بود که آنها وضع کنونی را الی غیرالنهایه تحمل بر طبق «کمک» خواهند کرد، این وضع را که آمریکائیان زیر سر و صدای به اقتصادیات انگلیس و فرانسه رخنه می‌کنند و می‌کوشند «نقشه مارشال» آنرا به زائده اقتصاد ایالات متحده آمریکا تبدیل سازند، این وضع را که ۳۱ سرمایه آمریکائی مواد خام و بازارهای فروش مستعمرات انگلیس و فرانسه را غصب می‌کند و بدین طریق برای سودهای کلان سرمایه‌داران انگلیسی و فرانسوی فلاکتی تهیه می‌بیند؟ آیا صحیح‌تر نمی‌بود اگر می‌گفتیم که انگلستان سرمایه‌داری و به دنبال آن فرانسه سرمایه‌داری هم بالاخره ناچار خواهند شد خود را از آغوش ایالات متحده آمریکا برهانند و به تصادم با آن تن در دهند تا موقعیت مستقل و البته سودهای کلان را برای خود تأمین سازند؟ برویم به سر کشورهای عمده شکست خورده، آلمان (غربی)، ژاپن. این کشورها حالا زیر چکمه امپریالیسم آمریکا زندگی رقت‌انگیزی دارند. صنایع و اقتصاد روستائی آنان، تجارت، سیاست خارجی و داخلی آنان، اشغالی آمریکا مقید شده است. ولی مگر نه این «رژیم» همه زندگی

پاره‌ای از رفقا ادعا می‌کنند که به حکم تکامل شرایط جدید بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، جنگ‌ها بین کشورهای سرمایه‌داری دیگر ناگزیر نیستند. آنها برآنند که تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه سرمایه‌داری از تضاد بین کشورهای سرمایه‌داری شدیدتر است، ایالات متحده آمریکا، کشورهای سرمایه‌داری دیگر را آن اندازه تابع خود ساخته‌اند که مانع جنگ بین خود و تضعیف یکدیگر شوند، که افراد پیشرو سرمایه‌داری از تجربه دو جنگ جهانی، که به همه جهان سرمایه‌داری لطمه جدی وارد آورده است، آنقدر عبرت گرفته‌اند، تا نگذارند بار دیگر کشورهای سرمایه‌داری به جنگ بین خود کشانده شوند، و نظر به همه این مراتب، جنگ بین کشورهای سرمایه‌داری دیگر ناگزیر نیست.

این رفقا اشتباه می‌کنند. آنها پدیده‌های ظاهری را، که روی سطح می‌لغزند، می‌بینند. ولی آن نیروهای عمقی را، که گرچه هنوز نامحسوس عمل می‌کنند، ولی به هر حال جریان حوادث را تعیین خواهند کرد، نمی‌بینند.

ایالات متحده «روبراه» برحسب ظاهر، مثل اینکه همه چیز آمریکا اروپای غربی، ژاپن و سایر کشورهای سرمایه‌داری را به جیره بسته‌اند؛ آلمان (غربی)، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن، که در چنگال ایالات متحده آمریکا افتاده‌اند، مطیع‌وار اوامر



آلمان هیتلری ملحق نشد، بلکه برعکس، ناچار شد علیه آلمان هیتلری وارد ائتلاف با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی گردد. بنابر این، مبارزه کشورهای سرمایه‌داری به خاطر بازارها و میل به غرق کردن رقیبان خود عملاً از تناقض بین اردوگاه سرمایه‌داری و اردوگاه سوسیالیسم شدیدتر از آب درآمد.

این پرسش پیش می‌آید: چه تضمینی وجود دارد که آلمان و ژاپن مجدداً بپا نخیزند، کوشش نکنند خود را از انقیاد آمریکا رها سازند و حیات مستقل خود را آغاز کنند؟ من تصور می‌کنم که چنین تضمین‌هایی وجود ندارد. پس، از این مطلب چنین برمی‌آید که ناگزیری جنگ‌ها بین کشورهای سرمایه‌داری به اعتبار خود باقی است. می‌گویند حکم لنین را درباره اینکه امپریالیسم به طور ناگزیر مولد جنگ است؛ باید کهنه شده محسوب داشت، زیرا در حال حاضر نیروهای مقتدری رشد کرده‌اند که به دفاع از صلح و علیه جنگ جهانی برخاسته‌اند. این درست نیست.

جنبش کنونی به خاطر صلح هدفش این است که توده‌های مردم را به مبارزه برای حفظ صلح، برای جلوگیری از جنگ جهانی بپا خیزاند. لذا، این جنبش هدف واژگون ساختن سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را تعقیب نمی‌کند، بلکه به هدف‌های دموکراتیک مبارزه به خاطر حفظ صلح محدود می‌گردد. از این لحاظ جنبش کنونی به خاطر حفظ صلح، از جنبش دوران جنگ جهانی اول به خاطر تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی، متفاوت است، زیرا جنبش اخیر جلوتر می‌رفت و هدف‌های سوسیالیستی را تعقیب می‌کرد. ممکن است که در اوضاع و احوال معینی، مبارزه به خاطر صلح، اینجا و آنجا، به مبارزه به خاطر سوسیالیسم گسترش یابد، ولی این دیگر جنبش کنونی به خاطر صلح نخواهد بود، بلکه جنبشی به خاطر واژگونی سرمایه‌داری خواهد بود.

پیش از همه این احتمال می‌رود که جنبش کنونی به خاطر صلح، به مثابه جنبش به خاطر حفظ صلح، در صورت موفقیت، منجر به جلوگیری از جنگ مفروض گردد، منجر به تعویق موقتی آن، منجر به حفظ موقتی صلح مفروض، منجر به استعفاء حکومتی جنگ‌جو و تعویض آن به وسیله حکومت دیگری گردد، که حاضر باشد موقتاً صلح را حفظ کند. این البته خوب است. حتی بسیار خوب است. معذالک برای محو ناگزیری جنگ بین کشورهای سرمایه‌داری به طور کلی، این کافی نیست؛ کافی نیست، زیرا با همه این موفقیت‌های جنبش به خاطر صلح، امپریالیسم باز هم حفظ می‌گردد، به اعتبار خود باقی است، و بنابر این ناگزیری جنگ‌ها نیز به قوت خود باقی است.

برای محو ناگزیری جنگ‌ها باید امپریالیسم را نابود ساخت.

مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد شوروی سوسیالیستی

«به شرکت کنندگان در مباحثه اقتصادی»

ملاحظات درباره مسائل اقتصادی مربوط به مباحثه ماه نوامبر سال ۱۹۵۱

ی. و. استالین \*

آنان، است که همین دیروز این کشورها هنوز هم قدرت‌های بزرگ امپریالیستی بودند که پایه‌های سیادت انگلستان، ایالات متحده آمریکا و فرانسه را در اروپا و آسیا می‌لرزاندند؟ تصور اینکه این کشورها کوشش نخواهند کرد بار دیگر بر سر ایالات متحده آمریکا را بشکنند و در راه تکامل مستقل قدم «رژیم» پا بایستند و گذارند، در حکم اعتقاد به معجزات است.

می‌گویند تناقض بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم از تناقض بین کشورهای سرمایه‌داری شدیدتر است. از لحاظ تئوری، این البته درست است، این نه تنها اکنون در زمان حاضر درست است، بلکه هم چنین پیش از جنگ دوم جهانی هم درست بود و این را زمامداران کشورهای سرمایه‌داری کم و بیش می‌فهمیدند. معذالک جنگ جهانی، با جنگ بر ضد اتحاد جماهیر شوروی آغاز نشد، بلکه با جنگ بین کشورهای سرمایه‌داری آغاز شد. چرا؟ اولاً از اینرو که جنگ با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، به مثابه جنگ با کشور سوسیالیسم، برای سرمایه‌داری از جنگ بین کشورهای سرمایه‌داری خطرناک‌تر است، زیرا اگر جنگ بین کشورهای سرمایه‌داری فقط مسئله تفوق گروهی از کشورهای سرمایه‌داری بر کشورهای دیگر سرمایه‌داری را مطرح می‌سازد، جنگ با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ناگزیر مسئله موجودیت خود سرمایه‌داری را مطرح خواهد ساخت.

ثانیاً «تبلیغاتی» از اینرو که سرمایه‌داران گرچه به منظورهای درباره تجاوز کاری اتحاد شوروی سر و صدا می‌کنند، خود به تجاوز کاری آن عقیده ندارند، زیرا آنها سیاست صلح‌آمیز اتحاد شوروی را در نظر می‌گیرند و می‌دانند که اتحاد شوروی خود به کشورهای سرمایه‌داری حمله نخواهد کرد.

پس از جنگ جهانی اول نیز عقیده داشتند که آلمان به طور قطع از صف خارج شده، همان طور که حالا برخی از رفقا تصور می‌کنند که ژاپن و آلمان به طور قطع از صف خارج شده‌اند. آن زمان هم در مطبوعات سر و صدا می‌کردند و می‌گفتند که ایالات متحده آمریکا اروپا را به جیره بسته است، آلمان دیگر نمی‌تواند سر پا بایستد، از امروز دیگر بین کشورهای سرمایه‌داری جنگ نباید در گیرد، لکن، با وجود این، آلمان پس از ده پانزده سالی بعد از شکست، خود را از انقیاد رهانید، در راه تکامل مستقل قدم گذارد، به مثابه قدرت بزرگ پیاخاست و سر پا ایستاد. ضمناً جالب این است که، به خصوص همین انگلستان و ایالات متحده آمریکا به آلمان کمک کردند که از لحاظ اقتصادی به پا خیزد و امکانات اقتصادی و جنگی‌اش را بالا برد. البته وقتی ایالات متحده آمریکا و انگلستان به آلمان کمک می‌کردند تا از لحاظ اقتصادی بپا خیزد، منظورشان این بود که آلمان بپاخاسته را علیه اتحاد شوروی متوجه سازند، از آن علیه کشور سوسیالیسم استفاده نمایند. ولی آلمان نیروهای خود را در وهله اول علیه بلوک انگلیس، فرانسه و آمریکا متوجه ساخت. و هنگامی که آلمان هیتلری به اتحاد شوروی اعلان جنگ داد، بلوک انگلیس، فرانسه و آمریکا نه تنها به



## مورالس مجدداً رهبری «حزب سوسیالیست بولیوی» را برعهده گرفت

«اوو مورالس»، رئیس جمهوری سابق بولیوی، پس از بازگشت به کشورش برای انتخابات ایالتی (۷ مارس ۲۰۲۱)، ریاست «جنبش به سوی سوسیالیسم بولیوی» (MAS) را برعهده گرفت.

به گزارش روز چهارشنبه «ایرنا» به نقل از شبکه چند ملیتی «تله سور» آمریکای لاتین، به دنبال پیروزی «لوئیس آرسه»، رئیس جمهوری جدید بولیوی در انتخابات ریاست جمهوری (۲۷ مهر)، «مورالس»، رهبر پیشین جنبش به سوی سوسیالیسم بولیوی از تبعید در آرژانتین به وطن خود بازگشت. وی دیروز در پی برگزاری نشستی ملی با حضور مقامات کشوری با هدف استقبال از انتخابات ایالتی آتی، ریاست این جنبش را دوباره برعهده گرفت.

«مورالس»، که نخستین رئیس جمهوری بومی بولیوی بود، پس از ۱۳ سال حکومت، در پی نامزدی برای چهارمین دوره ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ بود که با کودتای ارتش تحت حمایت سازمان کشورهای آمریکایی، از مقامش کناره گیری و به آرژانتین رفت.

رئیس جمهوری مستعفی بولیوی در گفت و گوئی مطبوعاتی گفت: «انتخاب نامزدها کار آسانی نیست، اما با تجربه ای که جنبش به سوی سوسیالیسم، به عنوان تنها جنبش با چشم اندازی نه پنج ساله (تا ۲۰۲۵) بلکه ده ساله (تا ۲۰۳۰)، در اختیار ما می گذارد، به سوی انتخابات پیش می رویم». «مورالس» اعلام کرد که «از شنبه آینده، همه برای انتخاب فرماندار، شهردار و مجمع دپارتمانی و مقامات منطقه ای توافق می کنند». وی دوشنبه ۹ نوامبر برابر با ۱۹ آبان در میان استقبال گسترده مردم در مراسمی نمادین پس از ۱۱ ماه طاق فرسا در تبعید، به بولیوی بازگشت.

در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بولیوی در ۲۰ اکتبر (۲۸ مهرماه گذشته)، که در دور نخست «مورالس» پیروز شد، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) در واشنگتن، پس از راه اندازی اتهام تقلب در انتخابات و تظاهرات اعتراض آمیز در بولیوی، باعث برکناری «مورالس» شد؛ اتهامی که بعدها، «موسسه تحقیقاتی ماساچوست» در آمریکا آن را رد کرد.

براساس گزارش شبکه ونزوئلایی «تله سور»، با سفر یکی از حامیان اصلی کودتا به آمریکا پیش از انتخابات بولیوی، گمانه زنی ها در مورد ارتباط کودتاچیان با دولتمردان آمریکایی افزایش یافت. از سوی دیگر پس از استعفای «مورالس»، دولت موقت بولیوی به رئیس جمهوری خودخوانده سانتور «جینه آنیس»، از زمان رسیدن به قدرت، سیاست های راست گرایانه در پیش گرفت و به دنبال روابط قوی با آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل بود. «مورالس» هست و می رزمند و خاری در چشم امپریالیسم آمریکا و مزدورانش است. •

استراتژی ایمنی غیر گله‌ای را انتخاب کرده‌اند، مرگ و میر بسیار کم‌تری داشته‌اند. به کره جنوبی، ویتنام، چین، کوبا و کشورهای همسایه ما، نروژ و دانمارک و فنلاند و غیره نگاه کنید. ابتدا باید روشن کنیم که کدام روش انتخاب شود و سپس در مورد هزینه‌ها می‌توان سخن گفت! نه برعکس! ابتدا انسان و سپس اقتصاد! نه برعکس!

در سوئد تا این تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰، ۶۰۸۲ نفر به علت ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند و این در مقایسه با کشورهای همسایه نروژ، فنلاند و دانمارک بسیار بیش‌تر است. در این سه کشور، در مجموع ۱۴۰۲ نفر فوت کرده‌اند.

مدل سوئدی شکست خورده است و تصمیم‌گیرندگان سیاسی مسئول قتل گسترده‌ای هستند که در سوئد رخ داده است.

فعالین حزب کار ایران (توفان) - سوئد

۱۱ نوامبر ۲۰۲۰

\*\*\*

### ناکامی سوئد در غلبه بر کرونا بدون اعمال قرنطینه

«آندرس تگنل»، مدیر آژانس بهداشت عمومی سوئد  
اعتراف سوئد به شکست خود در مبارزه با کرونا بدون قرنطینه

سوئد که در موج اول شیوع ویروس کرونا از قرنطینه استفاده نکرد، به شکست رویکرد رسیدن به مصونیت جمعی خود در برابر این بیماری همه‌گیر اعتراف کرده است.

به نقل از نشریه «فاینانشال تایمز»، «آندرس تگنل»، مدیر آژانس بهداشت عمومی سوئد، در مورد عدم تحقق امید به بهترشدن وضع در این کشور در جریان موج دوم کووید ۱۹ در مقایسه با فنلاند و نروژ همسایگان سوئد صحبت کرد که مقامات آنها از قرنطینه دست برنداشتند. خاطرنشان می‌شود که در حال حاضر تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا بستری در بیمارستان‌های سوئد، سریع‌ترین رشد را در اروپا دارد و یک پنجم تست‌های کرونا در استکهلم مثبت است. «لنا اینهورن»، متخصص ویروس‌شناس نیز اظهار داشت که آزمایش سوئد برای مبارزه با کووید ۱۹ ناموفق بوده است. آخر شاخص سرانه موارد ابتلا به کرونا در این کشور هشت برابر بیش‌تر از فنلاند و ۳.۵ برابر بیش‌تر از نروژ است.

سوئد تنها عضو اتحادیه اروپاست که از اعمال تدابیر سختگیرانه در رابطه با بیماری همه‌گیری ویروس کرونا خودداری کرده است. مقامات این کشور ادعا کردند که با این روش می‌توان از وارد کردن شوک‌های جدی برای اقتصاد سوئد جلوگیری کرد. با این حال، منتقدان این رویکرد در داخل و خارج از کشور تأکید کردند که در نهایت ثمره اقتصادی این سیاست بهتر از سایر کشورها با شرایط مشابه نبوده است. سوئد هیچگاه رسماً از روش مصونیت «رمه‌ای» سخن نگفته است، اما کارشناسان منتقد این کشور دولت را به ریاکاری و پرهیز از روش قرنطینه و رهاساختن مردم به حال خود تحت پوشش «احترام به آزادی بیان» متهم کرده‌اند. روش «رمه‌ای» در سوئد و در سایر ممالک با شکست روبرو شده و موجب مرگ و میر گسترده‌ای گردیده است. در سوئد تا این تاریخ، ۱۷ نوامبر، ۶۲۲۵ نفر جان باختند و در سه کشور دانمارک، نروژ و فنلاند در مجموع ۱۴۱۰ نفر فوت کردند.



## شیوه «رمه‌ای» سوئد در مقابله با «کویید ۱۹» شکست خورده است

ترجمه متن فارسی مقاله فعالین حزب کار ایران (توفان) در سوئد در مورد کوید ۱۹ و افزایش مرگ و میر کرونایی  
این مقاله در هفته نامه «پرولتر» و در روزنامه پرتیراژ «کورن» منتشر گردید.

«تدروس ادهانوم»، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی، اخیراً نسبت به ایده مطرح شده از سوی برخی محققان در مورد ایجاد «ایمنی گله‌ای» هشدار داد و آن را غیراخلاقی خواند. «تدروس» در جمع خبرنگاران با تأکید بر اینکه ایمنی جمعی باید از طریق واکسن ایجاد شود، گفت: «ایمنی گله‌ای با محافظت از مردم در برابر ویروس به وجود می‌آید، نه با مبتلا کردن آنها».

برخی محققان می‌گویند ابتلای بخش غیرآسیب‌پذیر جمعیت به کرونا، باعث ایجاد ایمنی جمعی در برابر این بیماری می‌شود. رئیس سازمان بهداشت جهانی با اشاره به اینکه دانش بشر نسبت به نحوه مصونیت در برابر کرونا بسیار کم است، گفت: «اگرچه به نظر می‌رسد اکثر مبتلایان پس از بهبودی به نوعی ایمنی می‌رسند، اما مدت این مصونیت مشخص نیست. مضاف بر اینکه موارد زیادی از ابتلای دوباره افراد به کرونا به ثبت رسیده است».

«تدروس ادهانوم»، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی همچنین اشاره دارد که تخمین زده می‌شود کمتر از ۱۰٪ در اکثر کشورها به بیماری کووید مبتلا شده‌اند و هنوز هم بیش‌تر افراد مستعد ابتلا به ویروس هستند.

اجازه دادن یک ویروس خطرناک، که فاقد شناخت کامل بر آن هستیم، تا آزادانه حرکت کند، اقدامی غیراخلاقی است، روش نادرستی است. در این بهار، گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر اینکه اقدامات سوئد با روشی نسبتاً ملایم در واقع تلاشی برای دستیابی به مصونیت گله‌ای است وجود داشته است، اما چنین گمانه‌زنی‌هایی همواره توسط آژانس بهداشت عمومی سوئد رد شده است!

قراردادن افراد در قرنطینه به معنای قرار دادن کل کشور در قرنطینه نیست، بلکه بخش‌هایی از آن است که در معرض خطر گسترش ویروس است. برای موفقیت در این امر، شما باید از همان ابتدا این نگرش یا استراتژی را داشته باشید که تا حد ممکن جلوی مرگ و میر و قتل را بگیرید! حقایق نشان می‌دهد که همه کشورهایی که



## یادی از «احمد کایا»، خواننده

## انقلابی اهل ترکیه

او بنیان‌گذار سبک اعتراض‌خوانی در موسیقی کشور ترکیه هست، او به هر دو زبان ترکی و کردی آواز می‌خواند. او در شهر «ملاطیه» ترکیه به دنیا آمد. او از پدری کرد سنی شافعی مذهب و مادری ترک در شهر عمدتاً علوی‌نشین «ملاطیه» به دنیا آمد و در زمان نوجوانی به خاطر شرایط دشوار زندگی پدر، به همراه خانواده به شهر استانبول نقل مکان کردند.

او، که کوچک‌ترین عضو خانواده بود، در شرایط بسیار دشوار و سخت گذران زندگی می‌کرد. دوران جوانی «کایا» برابر شد با کودتای «کنان اورن» و خفقان شدیدی که بر فضای سیاسی جامعه ترکیه تحمیل گردید. او که به شدت مخالف وضع موجود بود، در سال ۱۹۸۵ به کمک دوستان خود آلبومی از ترانه‌هایش را منتشر کرد که به گفته‌اش هیچ امیدی به استقبال آن از طرف مردم نداشت و تنها در پی آن بود که بوسیله ترانه‌هایش اعتراض خود را به شرایط حاکم اعلام دارد. چند روز پس از عرضه آلبوم مأموران قضایی ترکیه نوار او را به دلیل وجود چند ترانه سیاسی جمع‌آوری نمودند. پس از اعتراض فراوان، در نهایت فروش کاست او آزاد اعلام شد. همین فعل و انفعالات سبب شهرت نام «کایا» گشت و کاست او با استقبال نسبتاً خوبی مواجه شد.

آلبوم دوم او ترانه «شفق» نام داشت. «کایا» در تمام سال‌های خوانندگی با شعرای بزرگ ترکیه همکاری کرد. بزرگانی همچون «آتیلای ایلهان» و «اورهان کوتان» از جمله شعرایی بودند که «کایا» از شعرهای آنها استفاده می‌کرد. سرانجام در صبح‌گاه ۱۶ نوامبر ۲۰۰۰ در سن ۴۳ سالگی به سبب حمله قلبی در شهر پاریس درگذشت. البته به گفته دولتمردان ترکیه و روزنامه‌های آن کشور این مرگ، یک مرگ طبیعی بود، اما عده زیادی بر این عقیده بوده و هستند که «احمد کایا» را از طریق مسمومیت ترور کرده‌اند. پیکر او را در گورستان «پرلاشر»، که بزرگ‌ترین گورستان پاریس و از مشهورترین گورستان‌های جهان است، به خاک سپرده شد. شعار «کایا» احترام به عقیده و آزادی اندیشه بود و عمر خود را نیز در این راه نثار کرد.

تاریخ ترکیه، «کایا» را به خاطر تأثیری که بر موسیقی و فضای سیاسی برگرفته از آن گذاشت، هرگز فراموش نخواهد کرد. «جنسیت‌گراها، شوونیست‌ها، نژادپرست‌ها و فاشیست‌ها به آواز من گوش ندهند. زیرا که من طرفدار صلح هستم. من کنار آنانی هستم که حق‌شان پایمال شده. در برابر یک نژادپرست تورکم» (احمد کایا). یادش گرامی! •





و مجازات پرداخت جزای نقدی و تحمل ضربات شلاق در مورد هر کدام از متهمان به اجرا درآمد.

در یک پرونده دیگر در خرداد امسال، «روح الله برزین»، کارگر نانوائی در شهر «چرام» استان کهگیلویه و بویراحمد به علت انتشار مطالب انتقادی در شبکه‌های اجتماعی ۵۵ ضربه شلاق خورد. «رسول طالب مقدم»، عضو سندیکای شرکت واحد، نیز که به دو سال حبس محکوم شده است، در خردادماه امسال ۷۴ ضربه شلاق خورد و به زندان رفت.

مقام‌های ارتجاعی قضایی ایران در برخی از این پرونده‌ها از صدور احکام شلاق علیه کارگران، که به شدت مورد اعتراض نهادهای صنفی و حامی کارگران قرار گرفته، بی‌شرمانه دفاع کرده‌اند.

اتحادیه‌های کارگری در هر مورد مشخص ضمن همبستگی با رفقای همسنگر خود با انتشار اعلامیه‌هایی اجرای حکم شلاق را قویاً محکوم کرده‌اند. در همین رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اخیراً طبق انتشار اطلاعیه‌ای اجرای حکم بربرمنشانه در مورد رفیعی را محکوم کرد. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمد: «رفیعی از بازداشت‌شدگان روز کارگر در سال ۹۸ می‌باشد وی همچنین چندبار در اعتراضاتی که نسبت به اخراج از کار داشته، بازداشت شده است. متأسفانه این اولین باری نیست که پاسخ حق‌خواهی و مطالبه‌گری کارگران را با شلاق، زندان، تهدید، اذیت و آزار می‌دهند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه احکام قرون وسطی شلاق برای کارگران زحمتکش و حق‌خواه را شدیداً محکوم می‌کند و اعلام می‌دارد با شلاق، زندان، اخراج و دیگر انواع فشار علیه فعالین کارگری و کارگران آگاه و پیشرو، هرگز نمی‌توانید صدای اعتراضات کارگران را خاموش کنید».

گرسنگی دادن کارگران و خانواده‌های آنها و ایجاد رعب و وحشت یکی از شیوه‌های شناخته شده رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی است که بطور سیستماتیک اجرا می‌شوند. رژیم جمهوری اسلامی هر روز فعالین کارگری را به بند می‌کشد. گناه آنها تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، بهبود وضعیت معیشتی، اضافه دستمزد، امنیت شغلی و حقوق معوقه است. گناه آنها خمنشدن در مقابل فشار و تهدید رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است که مردم در کوچه و خیابان از دزدی‌های میلیاردی سران فاسد آن سخن می‌گویند. رژیم سرمایه‌داری حاکم، که پاسخ نان، کار و آزادی را با شلاق می‌دهد، می‌کوشد با نشان دادن مشت آهنین مانع گسترش اعتراضات کارگری گردد، تا به خیال خود تا ابد بر خر مراد سوار باشد و به غارت و جپاول ثروت جامعه ادامه دهد. غافل از اینکه رژیم هر اندازه بیش‌تر سرکوب کند و به توهین و تحقیر کارگران، این ثروت‌آفرینان جامعه پردازد، به همان اندازه انقلاب آتی ایران خونین‌تر و قهرآمیزتر خواهد بود و رژیم ملایان سرنوشتی بهتر از سرنوشت رژیم خودفروخته پهلوی نخواهند داشت. کارگران ایران حق دارند که برای حقوقی که از آن محروم شده‌اند، مبارزه کنند، دست به اعتصاب و تحصن بزنند، تشکلهای مستقل خود را ایجاد نمایند و در مقابل کارفرمایان زالوصف بایستند و از حقوق حقه‌شان دفاع نمایند.

کارگران ایران راهی جز اتحاد و تشکل و اتکاء به نیروی خویش و ایستادگی در مقابل بربریت نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ندارند.



## اجرای حکم بربرمنشانه شلاق، شرم‌آور است و بی‌پاسخ نمی‌ماند

اجرای حکم قرون وسطائی «داود رفیعی»، کارگر شریفی که به اخراج خود از شرکت «پارس خودرو» معترض بود، به اتهام «توهین» به وزیر کار ۷۴ ضربه شلاق خورده است. وی به همین دلیل در سال ۹۱ از کار اخراج شد و در خلال سال‌های گذشته نیز بارها در اعتراض به این امر به همراه اعضای خانواده خود اقدام به برگزاری تحصن کرده است.

در جریان یکی از اعتراضات در سال ۹۶ او روی مقوا شعار «مرگ بر وزیر کار»، «مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل» نوشته بود و اکنون به دلیل همین شعار ۷۴ ضربه شلاق خورده است. صدور حکم شلاق و اجرای آن علیه کارگران در چند سال اخیر سابقه دارد. از جمله در پنجم خرداد سال ۹۵ حکم شلاق در مورد ۱۷ کارگر معدن طلای «آق‌دره» نیز، که به اخراج خود اعتراض کرده بودند، اجرا شد.

علاوه بر این، موارد متعددی از صدور حکم شلاق در مورد کارگران نیز گزارش شده است. از جمله «فرزانه زیلابی»، وکیل کارگران هفت تپه، در خرداد ماه سال جاری اعلام کرد که «محمدرضا دبیریان»، یکی از کارگران این شرکت به ۲۲۲ ضربه شلاق تعزیری محکوم شده است. این کارگران که تعدادشان ۳۵۰ نفر بود، در دیماه سال ۱۳۹۳ توسط شرکت «پویا زرکان»، پیمانکار اصلی معدن، با پایان یافتن قراردادهایشان از شرکت اخراج شده بودند، روز ششم دیماه مقابل شرکت دست به تجمع اعتراضی می‌زنند که در پی آن مأموران مزدور حراست شرکت به کارگران معترض یورش می‌برند و در پایان کارفرما به اتهام ایجاد اغتشاش و تخریب علیه ۱۷ نفر از کارگران اعلام جرم می‌کند. در همین رابطه به گزارش «ایلنا» ۵ خرداد ماه ۱۳۹۵، «وحید یاری»، که در جریان رسیدگی قضایی به پرونده این ۱۷ کارگر وکالت آنها را برعهده داشت، چنین اظهار می‌دارد: «این کارگران براساس دو پرونده قضایی، که به صورت جداگانه علیه آنها تشکیل شده بود، به ترتیب در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری در شهر تکاب و شعبه ۱۰ تجدیدنظر استان آذربایجان غربی محاکمه شدند. در مجموع متهمان این پرونده به تحمل مجازات تعزیری حبس، پرداخت جزای نقدی و تحمل ضربات شلاق محکوم شده بودند که در نهایت با اعلام گذشت شاکی و استفاده از فرصت عفو مقام قضایی، مجازات حبس تمامی کارگران مورد نظر لغو شد».



## یمن

### دولت‌های سرمایه‌داری گروه ۲۰ سه برابر بیش‌تر از کمک به یمن سلاح به عربستان فروخته‌اند

با نزدیک‌شدن اجلاس گروه ۲۰ به میزبانی عربستان سعودی، سازمان خیریه «آکسفام» در گزارشی گفته است: کشورهای عضو این گروه از سال ۲۰۱۵، که عربستان سعودی دخالت خود در جنگ یمن را آغاز کرد، ۱۷ میلیارد دلار سلاح به ریاض فروخته‌اند در حالی که تنها یک سوم این مبلغ به یمن کمک‌های بشردوستانه کرده‌اند.

«آکسفام» گزارش جدید خود را سه‌شنبه ۱۷ نوامبر برابر با ۲۷ آبان منتشر کرد. «اسوان کمال»، از اعضای «آکسفام» در اینبار به الجزیره گفت: «در حالی یمن وارد ششمین سال درگیری خود می‌شود که ۸۰ درصد از ۳۰ میلیون نفر مردم فقیر این کشور به کمک نیاز دارند. دیدن این سطح از تجارت بسیار تکان‌دهنده است. ما همان‌طور که برای مقابله با ویروس کرونا تلاش می‌کنیم، شاهد کاهش چشمگیر سطح بودجه کمک‌های بشردوستانه هستیم. باید از رهبران جهان بخواهیم مسئولیت خود را بپذیرند و از نشست این هفته گروه ۲۰ استفاده کنند تا اطمینان حاصل شود که در مورد بودجه بشردوستانه گفت‌وگوهای کافی انجام شده است». گزارش «آکسفام» در حالی منتشر می‌شود که رهبران گروه ۲۰ برای اجلاس هفته جاری به میزبانی عربستان سعودی آماده می‌شوند. در حالی که برخی از کشورهای اروپایی فروش سلاح به ریاض را متوقف کرده‌اند، اما بسیاری از اعضای گروه ۲۰ همچنان به این کشور سلاح می‌فروشند. براساس آمار مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم (سپیری)، عربستان سعودی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ با وارد کردن ۱۶٫۹ میلیارد دلار سلاح و صرف

۴٫۹ میلیارد دلار از این مبلغ برای خرید تسلیحات اروپایی، بیش‌ترین واردکننده سلاح در جهان بود.

در مارس ۲۰۱۵، ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی با هدف مقابله با شورشیان شیعه حوثی همسو با ایران و بازگرداندن دولت «عبدربه منصور هادی»، دولت به رسمیت شناخته‌شده بین‌المللی، بمباران هوایی یمن را آغاز کرد.

گروه‌های مدافع حقوق بشر به دلیل حملات هوایی ائتلاف عربی به یمن، که منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان در بیمارستان‌ها، مدارس و بازارها شده است، از این ائتلاف انتقاد کرده و از دولت‌های غربی خواسته‌اند صادرات سلاح به عربستان سعودی و متحدانش را متوقف کنند.

به گفته آکسفام، «در هر ۱۰ روز یک حمله هوایی» به بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، چاه‌ها و مخازن آب در طول جنگ یمن انجام شده است.

آکسفام گفته است: «شیوع ویروس کرونا فقط شرایط وخیم را بدتر کرده است. با وجود این تنها ۴۴ درصد بودجه امسال سازمان ملل برای در دسترس قراردادن آب پاکیزه، غذا و مراقبت‌های پزشکی از آسیب‌پذیرترین افراد در یمن، تأمین شده است». همچنین بیش از ۱۰۰ هزار نفر از جمله ۱۲ هزار غیرنظامی در تجاوز نظامی به یمن کشته شده‌اند. طبق گزارش برنامه جهانی غذا در سازمان ملل، ۲۴ میلیون یمنی به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند، در حالی که ۲۰ میلیون نفر در وضعیت ناامن غذایی قرار دارند و با قحطی روبرو هستند. عربستان سعودی و حامیانش مسبب اصلی این تجاوز، که نقض آشکار حقوق ملل و حقوق بشر است، هستند و باید قویاً محکوم گردند.

دست عربستان از یمن کوتاه باد! •



## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*

### فلسفه مارکسیسم (۲)

دومین خصوصیت فلسفه مارکسیسم خصلت علمی آن است. فلسفه مارکسیسم بر پایه دست‌آوردهای علوم بنا شده و با علوم در تماس و ارتباط نزدیک است. فلسفه مارکسیسم دست‌آوردها و نتایج علوم را بر اساس فلسفه مادی و با اسلوب دیالکتیک تحلیل می‌کند، تعمیم می‌دهد و یک سیمای همه جانبه و علمی از جهان عرضه می‌دارد. در واقع این علوم مختلف‌اند که مواد و مصالح لازم را برای حل وظائف فلسفی در اختیار فلسفه می‌گذارند. فلسفه مارکسیسم نه تنها از علوم کسب می‌کند، بلکه با تعمیم دستاوردهای آنها یک جهان‌بینی منسجم، یک اسلوب تحقیق و پژوهش علمی و یک تئوری شناخت به علوم ارائه می‌دهد. بدین ترتیب فلسفه مارکسیسم و علوم یکدیگر را تکمیل می‌کنند و لازم و ملزوم یکدیگرند.

فلسفه مارکسیسم مافوق علوم نیست، علمی در کنار علوم است. نه علم، بی‌نیاز از فلسفه مارکسیسم است و نه فلسفه مارکسیسم خود را بی‌نیاز از علم می‌شمارد. این نظریه که فلسفه مارکسیسم برای علوم نه تنها مفید نیست، بلکه جلوی رشد و تکامل آنها می‌گیرد،

این نظریه نیز که فلسفه، که تعقلی است و نباید با علوم، که گویا تجربی‌اند، سر و کار داشته باشد و بالاخره این نظریه که شناخت را به نتایج و دست‌آوردهای علمی محدود می‌کند و آنها را از فلسفه بی‌نیاز می‌شمارد، از دیدگاه فلسفه مارکسیسم کاملاً مردود و مطرود است.

فلسفه مارکسیسم براساس دست‌آوردهای علوم بنا شده و اصول و احکام و قوانین آن در انطباق با نتایج علوم است. نتایج و دست‌آوردهای علوم نیز اصول و احکام فلسفه مارکسیسم را تأیید می‌کنند. جای انکار نیست که فلسفه مارکسیسم یک جهان‌بینی علمی است، کسانی که علمی‌بودن جهان‌بینی مارکسیسم را انکار می‌کنند یا از موضوع چیزی سر در نمی‌آورند و یا حقیقت را قلب و وارونه می‌سازند.

در دورانی که علوم با پیشرفت‌های شگرف و شگفت‌انگیز خود از ریزترین ذره اتم تا عظیم‌ترین ستارگان و کهکشان‌ها با عمق و دامنه بی‌سابقه‌ای گسترش داده و می‌دهد، دیگر هیچ کس این دیوانگی را به خرج نمی‌دهد که در اطاق در بسته بنشیند، در دنیای تخیلات و پندارها سیری کند و فلسفه‌ای با کلتی که «کانت» و «هگل» یا حتی «فویرباخ» ساخته‌اند، بسازد.

فلسفه علمی به فلسفه کلاسیک پایان داد، علم به مسائل مربوط به شناخت جهان پاسخ داده است، یا پاسخ خواهد داد. یگانه فلسفه ممکن، همان فلسفه‌ای است که بر مبنای نتایج علوم و تعمیم آنها ساخته می‌شود و این همان فلسفه مارکسیسم است. در فلسفه علمی هیچ مسأله‌ای نیست که بر پایه علمی استوار نباشد و هیچ مسأله‌ای نیست که مورد نیاز علم (هر علمی) واقع نشود. تنها فلسفه مارکسیسم است که در دنیای امروز و دنیای آینده پاسخ‌گوی مسائل فلسفی است. البته شیفتگان فلسفه آنچنانی هنوز هم می‌توانند خود و دیگران را با مسائلی مانند «روح»، «ماوراء طبیعت»، «دنیای آخرت»، «فطرت انسان»، «حقیقت انسان» و «جهان‌بینی توحیدی» و نظائر اینها سرگرم کنند. آنها که به علم باور ندارند، هرگز خلع سلاح نمی‌شوند، با آنکه علوم آنها را پیوسته از سنگری به سنگر دیگر عقب می‌نشانند. منافع طبقاتی آنها طرد علم را ایجاب می‌کند. ادامه دارد. •





facebook  
TOUFAN.HEZBEKAR

## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

### به یک پرسش

پرسش: آیا فکر نمی کنید هر رژیمی [که] در ایران روی کار بیاید، بهتر از این رژیم کثیف اسلامیت؟! این رژیم نزدیک ترین و عزیزترین بستگان ما را کشت و سرنگونی رژیم توسط هر کسی صورت گیرد، سودش بیش تر از زیان [اش] است، [این روز] روز جشن من است. با وضعیت کنونی ایران هیچ نیروی ایرانی نمی تواند [رژیم] را سرنگون کند. دیدیم آبان ماه ۹۸ چه اتفاق افتاد؟

**پاسخ:** با نظر شما موافق نیستیم. دوست عزیز، مبارزه سیاسی، مبارزهای برای تصفیه حساب شخصی و دل خنک کردن نیست، بلکه مبارزهای است آگاهانه برای تصفیه حساب طبقاتی؛ مبارزهای که بر کین و انتقام گیری شخصی استوار باشد، فرجامی جز یأس و سرخوردگی دربرنخواهد داشت، بیراهه است. نمی توان به خاطر نفرت از رژیم مستبد «صدام حسین» از تجاوز نظامی به عراق دفاع نمود و جام شراب را به سلامتی اعدام «صدام حسین» توسط آمریکا سرکشید و دخالت اجانب را در امور داخلی کشور تأیید کرد. آنها که چنین کرده اند، از مسیر مبارزه اصولی خارج شدند، به آلت دست زورمندان جدید تبدیل گشتند. عین همین مسئله در مورد ما ایرانی ها نیز صدق می کند. کسانی که به خاطر نفرت به حق شان نسبت به رژیم منفور اسلامی در مقابل تحریم جنتیکارانه اقتصادی و تجاوز نظامی به ایران حساسیت نشان نمی دهند و حتی مشوق دستگیری سران رژیم ایران توسط آمریکا و اعدام آنها هستند، درک درستی از مبارزه سیاسی ندارند. اینان فقط برای خنک شدن دل شان با رژیم مخالفت می کنند و نه برای استقرار یک نظام دموکراتیک و عادلانه اجتماعی. بیان این که فقط این رژیم تبهکار برود تا دلم خنک شود، اشتباه محض و جز ارضای آتش خشم شخصی نتیجه دیگری نخواهد داشت؛ بی سرانجام است. رژیم های لیبی، طالبان و بعث عراق توسط آمریکا و متحدینش سرنگون شدند اما نه آزادی در این کشورها برقرار شد و نه استقلال، بلکه برعکس وضع مردم هزار بار وخیم تر، تاریک تر و مصیبت بارتر از گذشته شده است. دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور ما ایران به معنای نقض حق تعیین سرنوشت مردم ایران به دست خودشان است و این امر نمی تواند مورد پذیرش هیچ ملت آگاه و مستقلى باشد. عزیزان ما، که توسط رژیم اسلامی تیرباران شدند، برای تحقق آرمان انسانی و حقوق

## متاسفانه باز هم سوسیال

## دمکراتها جهت نجات

## «نظام وال استریتی» به پیش

## خوانده شدند

و «ترامپ» هم به آن گردن نهاده است. جملات وی بصورت ملایم و تفاهم شکلک «قصد نیکی کردن به مردم آمریکا» را به خود گرفته است و تسلیم رأی اربابان خود، که حتی سرمداران مالی مالک بانک های وال استریت نیستند، یعنی مشتی مدیران جوان (نسبت به سران خانواده راکفلرها و روتشیلدها...) است که می توانند با تصمیمات خود بانکی که بزرگ ترین بانک وال استریت بوده است، یعنی Lehman Brothers را در عرض دو ساعت دود کرده به هوا فرستاده بدون اینکه محاکمه شود!!

این افراد مشتی تکنوکرات های نوینی هستند که لنین آنها را بخوبی به عنوان قشری، که در کلوب ها با یکدیگر آشنا می شوند و دست آنها را گرفته و برای جانشینی خود آماده می کنند. این قشر اکنون به شاگردان اول دانشگاه ها، که بیش تر آنها از ریاضی دانان هستند، مانند «فربیس»، فارغ التحصیل ۱۹ ساله از دانشگاه سوربون فرانسه است که با نامه هایی به نامزد خود طرز کار درونی «گلدمن ساکس» و وظایف خود را توضیح داده بود که در دادگاه هم محکوم نگردید. این قشر درواقع گردانندگان طبقه حاکمه آمریکا هستند که ناآگاه از قدرت خود با اثبات نظریات خود به عنوان راهی برای سودبری نجومی و یا نجات از مخاطرات پس لرزه ای چنین سودبری های نجومی، خواست طبقه حاکمه آمریکا را جهت می دهند. آنها خود همیشه از اهمیت کار خود آگاه نیستند. بجز رئیس «گلدمن ساکس»ی که در بحران «آباکوس» «مسکن» نام خدایی بخود داد (معروف به یکی از فرزندان طبقه کارگر آمریکا)، که سپس مجبور به پس گرفتن آن گردید.

آری «سوسیال دموکراسی» دیروزی (سال های ۸۰ و نود مانند «یوشکا فیشر» ها و «لافونتن» ها)، که همان چپ های امروزی («سپراس» ها و «گیزی» ها...) می باشند، سعی در زنده نگاه داشتن نظام مرده، که بوی گندیدگی آن همه جهانیان را آزار می دهد، دارند تا شاید آنها هم زیر سایه جهان خواران آمریکایی چند صباحی به زندگی انگل وار خود ادامه دهند. •

خود «بایدن» بارها گفته است که «دونالد ترامپ» دشمن وی نیست، دوست وی است و تنها رقیب وی محسوب می‌گشته است. در شرایط کنونی احتمال تجاوز مستقیم نظامی به ایران ضعیف است، زیرا آمریکا خود دچار بحران شدیدی است و تضادهای کنونی با روسیه، چین و حتی با اروپا و اوضاع ناآرام منطقه امکان حمله نظامی به ایران را منتفی می‌سازد. در پاسخ به پرسش شما که آیا ترامپ در روزهای پایانی ریاست جمهوری خود دستور حمله نظامی به ایران را صادر خواهد کرد، باید گفت که این خبر را ابتدا «نیویورک تایمز» منتشر کرد که «ترامپ گزینه‌هایی برای حمله به ایران از مشاوران خود خواستار شده و برخی مقامات به این روزنامه گفته‌اند که رئیس جمهوری احتمالاً هنوز به دنبال راه‌های حمله به دارایی‌ها و متحدان ایران است». یک روزنامه اسرائیلی هم اینطور گمانه‌زنی کرد که «ترامپ» یا دستور «اقدام نظامی آمریکا علیه ایران» را صادر می‌کند یا به اسرائیل برای این کار «چراغ سبز» نشان می‌دهد. آنچه این خبرها را در مورد حمله احتمالی پیش‌تر داغ کرده است، سفرها، تماس‌ها و گفت و گوهای مقامات ترامپ با مقامات خاورمیانه است. «الیوت آبرامز»، نماینده «ترامپ» در امور داخلی ایران و ونزوئلا اخیراً برای گفت و گو با نخست وزیر رژیم صهیونیستی، «بنیامین نتانیاهو» به اسرائیل رفته و وزیر امور خارجه «مایک پومپو» هم با رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل تماس ویدیویی داشته است. یکی از اعضای کابینه «نتانیاهو» هم در اوایل ماه نوامبر پیش‌بینی کرده بود که در صورت پیروزی «جو بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، اسرائیل به ایران حمله خواهد کرد. مسئله ناخوشایند دیگر هم این بوده که فرماندهی مرکزی ایالات متحده روز دوشنبه از انتقال گروهی از بمب افکن‌های اف-۱۶ از آلمان به امارات متحده عربی خبر داده است. اما علی‌رغم همه این تبلیغات و جنگ روانی به نظر ما حمله آمریکا به ایران بسیار ضعیف است به این دلیل که برای چنین حمله‌ای به هماهنگی با متحدان آمریکا نیاز است و آنها مخالفت خواهند کرد. از طرفی آمریکا به شدت در اثر اپیدمی و شیوع «ویروس کرونا» خسارت دیده است و اولویت برتر این کشور در شرایط فعلی باید مهار و کنترل هرچه سریع‌تر همه‌گیری کووید-۱۹ و نجات جان مردم باشد؛ اگر آمریکا بار دیگر کل جهان را به خطر بیندازد و از قدرت نظامی علیه ایران استفاده کند، فقط خود را در یک باتلاق جنگی خواهد انداخت که به مراتب بزرگ‌تر از جنگ‌های افغانستان و عراق خواهد بود؛ و از سوئی برنامه‌ریزی ارتش آمریکا برای عقب‌راندن نظامیان از خاورمیانه نیز به طور کامل با شکست روبرو خواهد شد. اما احتمال اینکه اسرائیل خودسرانه در اینجا و آنجا عمل کند، وجود دارد. «نیکلاس برنز»، معاون سابق وزارت خارجه، هم درباره احتمال اینکه ایران به هدف حمله نظامی احتمالی تبدیل شود، و «ژنرال مک مستر»، مشاور امنیت ملی سابق «ترامپ»، درباره حمله احتمالی اسرائیل هشدار داده‌اند. تحریکات اخیر اسرائیل و بمباران‌های مداوم سوریه اینها همه نشانه‌هایی برای درگیری نظامی با ایران هست تا شرایط را برای تیم «بایدن» و مذاکرات آینده دشوار نماید. در حال آمریکا که با تحریم حداکثری اقتصادی و خروج از «برجام» به آشفتگی و شورش‌های احتمالی در درون ایران چشم دوخته بود، تا رژیم را قبل از انتخابات به پای میز مذاکره بکشاند، با شکست روبرو شد و اکنون با توجه به آنچه ذکرش رفت، احتمال حمله نظامی به ایران بسیار ضعیف است. امیدواریم به پرسش‌تان پاسخ داده باشیم. موفق باشید. •

دموکراتیک ملت ایران، به ویژه کارگران و زحمتکشان جان باختند، نه برای زندگی شخصی خودشان و یا اختلاف شخصی با ملاحا. از اینرو باید از برخوردهای هیجانی و احساسی و شخصی پرهیز نمود و مبارزه سیاسی و طبقاتی سنجیده، هدفمند و آگاهانه‌ای را برای تحقق آرمان‌های عزیزان جانباخته‌مان، یعنی استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی پیش ببریم. راهی جز این راه برای تحقق آرزوها و آمال مردم ایران میسر نیست؛ هر راه دیگری بیراهه است. روز جشن ملت ایران، روزی است که ملت ایران آگاهانه و متشکل رژیم را با دستان پرتوان خود و با کم‌ترین خسارت مالی و جانی سرنگون کند، چنین روزی آرزوی همهی ایرانیان آزاده، مستقل و ضدامپریالیست و ضداجنبی است. به امید چنین روزی!

**پرسش: آمریکا از ایران چه می‌خواهد آیا با آمدن بایدن تغییری در مورد سیاست آمریکا ایجاد خواهد شد. آیا اختلافات ایران و آمریکا جلدی است و ترامپ دستور حمله محدود به ایران را خواهد داد؟**

پاسخ: آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد که او تمام سیاست‌های منطقه‌ای و تجاوزات آمریکا را بپذیرد و به متحد او بدل شود، تا دست از سر او بردارد. تازه تضمینی هم نیست که دست از سرش بردارد و وی را به سرنوشت «سرهنگ معمر قذافی» دچار نسازد. مشوقان و مدعیان چنین سیاستی، مبلغ تسلیم و خیانت ملی‌اند. برای این عده آینده روشنی جز سرسپردگی برای امپریالیسم متصور نیست. اما این را هر انسان عاقل و آگاهی دانسته است؛ با وجود استقرار یک رژیم دموکراتیک، که به حقوق مردم احترام می‌گذارد و مدافع حقوق بشر و زحمتکشان است، فشار امپریالیسم بر ایران نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه با هزار ترفند و توطئه افزایش می‌یابد. زیرا سرمایه مالی به دنبال سیادت است و نه آزادی ملت و احترام به استقلال و دموکراسی. به نظر ما علت بحران کنونی و فشارهای آمریکا و تشدید تحریم‌های جدید علیه ایران، ناشی از سیاست خارجی ایران نیست و در گذشته هم به علت سیاست هسته‌ای ایران نبود. رژیم جمهوری اسلامی ایران باید نفت، گاز و بازار و منابع طبیعی خود را تحویل انحصارات آمریکا دهد، به طور کلی باید پیرو سیاست راهبردی امپریالیسم آمریکا علیه چین و روسیه در نزاع منطقه‌ای و جهانی گردد، در غیر اینصورت باید برود. ایران باید به پایگاه نظامی آمریکا و ناتو برای محاصره روسیه و پرشی برای دست‌اندازی در مناطق تحت نفوذ روسیه باشد. از اینرو ایران مانع تحقق چنین سیاستی است و باید برود. آمریکا با چیره‌شدن بر ایران گام مهمی در تحقق سیاست‌های راهبردی خود و اعمال هژمونی بر سایر رقبا برمی‌دارد. این مانع همانند موانعی در لیبی، عراق و یا افغانستان و ... باید برافتد. تیم «بایدن» نیز در جهت منافع امپریالیسم آمریکا در بسیاری از زمینه‌ها به همان منوال سابق عمل خواهد کرد. زیرا او وظیفه دیگری جز تأمین منافع امپریالیسم آمریکا برای خود قائل نیست. «بایدن» سعی خواهد کرد از تشدید تضادهای درون جامعه آمریکا، که حالت انفجاری به خود گرفته و گرایش «چپ» را در آن تقویت نموده است، بکاهد؛ سیاست قابل اعتماد و قابل محاسبه در جهان اعمال کند؛ مرز روشن‌تری میان منافع شرکت‌های خصوصی خانواده «بایدن» و سیاست خارجی آمریکا بکشد و آنها را با هم مانند مدیر یک شرکت خصوصی مخلوط نکند؛ «آبروی» از دست‌رفته آمریکا را در سطح جهان بازگرداند و بر افتضاحات سنتی آمریکا در درون و بیرون این کشور ماله بکشد. هیچ تغییر اساسی در سیاست وی در برخورد به ایران، اسرائیل، چین و روسیه پدید نخواهد آمد.



## پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: دوستان محترم توفان، ضمن سلام و احترام. آیا فکر نمی‌کنید چین در رابطه با ویروس کرونا پنهان‌کاری کرده و به مردم جهان دروغ گفته است. منشاء کرون چیست؟ نگاه شما به همه مسائل از جمله کرونا بسیار سیاسی است و فقط از تجاوزات آمریکا حرف می‌زنید؟ چرا از تجاوز شوروی به افغانستان و چکسلواکی.... چیزی نمی‌گوئید؟

پاسخ: دوست عزیز! بسیاری از شیفتگان غرب بدون سند و مدرک هم آواز با رسانه‌های کشورهای غربی، چین را به دروغ‌گویی و کتمان آمار و ارقام مبتلایان و جانباختگان متهم می‌کنند. در این رابطه ما مطمئنیم که اگر کووید-۱۹ در چین ۱،۴ میلیاردی همه‌گیر شود، نه حزب «کمونیست» چین و نه هیچ نهاد دیگری قادر به پنهان‌ساختن آن نخواهد بود. این آن مسئله‌ای است که تا روشن نشود، با حدث و گمان نمی‌توان چین را به دروغ‌گویی متهم کرد. آینده نشان خواهد داد. به دیده ما چین تا اینجا، هم در زمینه مهار کرونا - قرنطینه کامل - و هم در زمینه تعامل علمی با جهان و نیز کمک موثر، از پزشک گرفته تا تجهیزات محافظتی و اضطراری به کشورهای دیگر، خوب عمل کرده است. این را باید دید و قبول کرد. شاید زمان پرده از روی ناشناخته‌ها بردارد.

در رابطه با منشأ «کرونا» حرف و حدیث زیاد است. بسیاری از طرفداران «تئوری توطئه» برآنند که کووید-۱۹ در آزمایشگاه‌های چین برای ضربه‌زدن به آمریکا تولید شده است، برخی برعکس معتقدند که آمریکا قبل از شیوع کرونا آن را بوسیله ۱۲ سرباز علیه چین بکار برده است! اما به دیده ما تئوری که به حقیقت نزدیک‌تر است و ما آنرا درست می‌دانیم این است که:

تولید انبوه مواد غذایی کشاورزی و دامی در حاشیه مناطق حاره‌ای و جنگل‌ها، که در اثر نابودی آنها ویروس‌های

آزادشده از طریق حیوانات به انسان‌ها سرایت می‌کنند، به اضافه تزریق هورمون‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها به دام و طیور در تولید انبوهی به خاطر رشد سریع آنها و در نتیجه کسب سود هر چه بیشتر، زمینه برای ایجاد و جهش ویروس و ویروس‌های جدید بدون وقفه آماده می‌شود.

در ضمن تا آنجا که ما اطلاع داریم، تحقیقات چین و WHO نشان می‌دهند که منشأ کووید-۱۹ یکی از بازارهای شهر ووهان بوده است. در نتیجه نه تنها در مورد پیدایش این ویروس و ناهمگونی گسترش آن، بلکه در زمینه دارو و واکسن، تئوری‌های زیادی وجود دارند که از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب جهان دانشمندان مشغول تحقیق درباره آنها هستند

نکته پایانی اینکه چرا نگاه ما به ویروس کرونا سیاسی است؟ آری همینطور است. این تنها ما نیستیم، نگاه شما، نگاه همه دوستان و اساساً نگاه آحاد جامعه سیاسی است، باید هم باشد. آن کارگری که به خاطر کمی دستمزد و دستمزد معوقه و شرایط کارش اعتراض می‌کند و آن زنان ایرانی که علیه حجاب اجباری و معلمین و دانشجویانی و... که به خیابان می‌آیند هم برخوردشان سخت سیاسی است. نگاه ما سیاسی است و دقیق‌تر بگوئیم طبقاتی است. ما در درجه اول مدافع حقوق پامال شده کارگران و زحمتکشان هستیم. ما نه تنها جنایت‌های مسلم آمریکا، که عملکرد ناتو و اعضایش، حمله وحشیانه شوروی در سال ۱۹۶۸ به چکسلواکی و تجاوز به افغانستان در اواخر ۱۹۷۹، بلکه سیاست‌های نئولیبرالیستی و حرکت آزادانه سرمایه، که چین هم جزو شان است و باعث گسترش فقر و گرسنگی و بیکاری در جهان می‌شود را نادرست می‌دانیم و با آنها مخالفیم. ما از چین دفاع نمی‌کنیم، اما این را هم اعتقاد نداریم که امروز چین یک خطر جهانی برای استقلال و تمامیت ارضی کشورهاست و ملل جهان را به خاک سیاه نشانده است! اینها همه تبلیغات آمریکا و غرب است تا مانع پیشروی چین در عرصه اقتصادی و سیاسی در جهان شود. در چند نمونه زیر توجه شما را به دروغ‌های غرب در مورد چین جلب می‌کنیم:

۱ نشریه اقتصادی «کای ژین» اعلام کرده در روزهای ۲۵ و ۲۶ مارس کامیون‌های ویژه در این شهر (ووهان) روزی ۲۵۰۰ (جعبه) خاکستر (جان باختگان) را به بازماندگان. تحویل می‌دادند.

«آسوشیتدپرس» نوشت: هیچ آمار و ارقامی وجود ندارد که بتوان مخفی‌کاری مقامات چینی را اثبات کرد. ولی این عدد آن چیزی نیست که در این کشور رخ داده است.

«واشنگتن پست» تعداد جانباختگان کرونا در چین را ۴۲۰۰۰ نفر ذکر کرده است.

و در لینک «رادیو فردا»، که شما به ما ارسال کردید، ۶۲۰۰۰ نفر.

«آنا فیفیلد» خبرنگار «واشینگتن پست» در چین در توییتی نوشت: شواهدی که از این شهر می‌آید می‌گویند که تعداد جان باختگان ۴۰ هزار نفر است.



تنها به گردن چین نیست. خیلی ساده، دلیلش این است که برای نمونه آنتی‌بیوتیکی بنام «سیپرو فلوکسازین»، که در هند فقط ۱۰ سنت می‌ارزد، در آمریکا ۶ دلار به فروش می‌رسد. و یا یک واکسن یرقان، که در هند ۵۰ سنت می‌ارزد، در آمریکا ۳۰ دلار به فروش می‌رسد.

البته با گذر زمان چینی‌ها با پشتکار و جدیت توانستند در عرصه تولید و تجارت گوی سبقت را از رقبایند. چین با تجاوز و حمله نظامی بازار را از دست رقبای دریاورد و اجناس خود را به زور سر نیزه هم به کسی نفروخت، بلکه در یک رقابت حاد و با استفاده از نیروی لایزال کار و مواد خام نسبتاً ارزان کشور خود، در چاقوب یک نظام گلوبالیزه وارد بازی شد و از حریفان پیشی گرفت. «بازار آزاد جهانی» متکی به نئولیبرالیسم در «زبان کشیدن اژدها» نقش تعیین کننده داشته و دارد. شبیه همین نقش را آلمان به عنوان «قهرمان صادرات» در اروپا بازی می‌کند که امروز مورد نفرت بسیاری از اروپائیان قرار گرفته است. همین دیروز در اخبار آمد که مردم ایتالیا در خیابان پرچم آلمان و اروپا را به آتش کشیدند. در همان گزارش آمده بود که در یک نظر سنجی فقط ۴۸ درصد از مردم این کشور موافق اتحادیه اروپا ولی ۵۲ درصد موافق چین هستند!

شاید لازم به یادآوری نباشد که اگر در عصر ما با جهانی شدن سرمایه کشورهای مختلف با استفاده از بازار آزاد جهانی سعی در درآوردن بازار از چنگ حریف دارند، در قرن گذشته سرمایه‌داری برای درآوردن بازار از چنگ رغیب دو جنگ جهانی به راه انداخت که باعث کشتار و ویرانی بی حد و حصر شد.

در مورد کپی اجناس از جانب چینی‌ها، به نظر می‌رسد که این دوره مدت‌هاست به سر آمده است و چین وارد دوران اختراعات و تولید نسبتاً مستقل شده است. فراموش نکنیم که غربی‌ها سال‌ها از کپی کردن ژاپن می‌نالیدند. هندی‌ها هم کپی می‌کنند. خیلی از کشورها این کار را می‌کنند، منتها چین حتماً بیش‌تر.

۳ - حق با شماست، تجاوز نابخردانه شوروی آن زمان به چکسلواکی و افغانستان به دیده حزب ما یک تجاوز امپریالستی بود. به غیر از طرفداران شوروی آن زمان اکثر احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها، و مردم، از جمله حزب ما، در اعتراضات شرکت داشتند و آنرا به عنوان یک نقض حقوق ملل عملاً محکوم کردند. موفق باشید. •

ملاحظه می‌فرمایید که کماکان با حدث و گمان سر و کار داریم.

مضافاً اینکه اگر قرار است که به آمار مقامات چینی شک کنیم، آنوقت حتماً باید به ارقام رسمی و گمانه‌زنی‌های رسانه‌های آمریکایی هم به دیده تردید بنگریم.

«هسولی یانگ»، مدیر برنامه بیماری‌های عفونی در دانشگاه سنگاپور می‌گوید: این ارقام چه از چین، چه از سنگاپور، چه از ایتالیا و یا آمریکا همه نادقیق و تخمین نادرستی از درجه و تعداد مبتلا به این بیماری هستند.

جالب اینجاست که اکثریت رسانه‌های اروپایی یا در مورد آمار و ارقام اعلام شده از جانب چینی‌ها سکوت کرده‌اند و یا صرفاً به نادقیق بودن آنها اشاره کرده‌اند.

در مورد حمل تعداد خاکستر اعضای خانواده‌ها در «وو‌هان» در برخی رسانه‌های غرب آمده است که: بدون ویروس کرونا هم در یک شهر ۱۱ میلیونی، سالانه ده‌ها هزار نفر می‌میرند. برای نمونه سال گذشته ۱۴۰۰ نفر در «وو‌هان» از دنیا رفتند. از آنجا که این شهر بسیاری از امکانات خود را به مبارزه با کرونا اختصاص داده بود، حتماً تعدادی از بیماران دیگر بدون مراقبت پزشکی ماندند و در نتیجه بیماران عادی بیشتری در بین وفات یافتگان بودند. از اینرو بخشی از جعبه‌های خاکستر، که بعد از پایان قرنطینه به سمت گورستان حمل می‌شد، مربوط به این نوع بیماران هم بود. با توجه به این ناروشنی‌ها، اینکه چه تعدادی واقعاً در «وو‌هان» به دلیل ابتلا به کووید-۱۹ جان باختند، ممکن است هیچ وقت مشخص نشود.

در ضمن «ایندیپندنت» نوشت که: چین از همان ابتدا تصمیم گرفت که افرادی را که تست مثبت می‌دهند، ولی علائم این بیماری را ندارند، در آمار خود ملحوظ نکند.

۲- در مورد «به خاک سیاه‌نشاندن کارگران جهان توسط چین» به چند نکته اشاره می‌کنیم:

یکم اینکه چین هم همانند سایر کشورهای سرمایه‌داری (البته بخشاً دولتی) در رقابت با حریفان خود به دنبال بازار فروش بوده و هست. اتفاقاً به دلیل جهانی شدن سرمایه و اعمال سیاست نئولیبرالی بود که چین هم وارد این بازی شد. از همان زمان شرکت‌ها و کنسرن‌های بزرگ در رشته‌های مختلف با پیروی از سیاست نئولیبرالی حاکم بر جوامع سرمایه‌داری؛ به خاطر بالا بودن سطح دستمزد و در نتیجه بالا بودن هزینه تولید در کشور خود، به خاطر کسب حداکثر سود، موسسات تولیدی خود را به چین - و نه تنها چین - منتقل کردند و از نیروی کار و مواد اولیه ارزان در این کشور بهره بردند و میلیارد‌ها دلار به جیب زدند.

اینکه امروز در نظام بازار آزاد جهانی نئولیبرال‌ها برای کاهش هزینه تولید و کسب حداکثر سود، ۸۰ تا ۹۰ درصد مواد موثره دارو و داروهای آماده را یا در چین و یا در هند تولید می‌کنند و به علت وابستگی سلامت جامعه به خارج، فریاد دانشمندان و کارشناسان و برخی از سیاستمداران را درآورده‌اند، گناهش

## سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



|                                   |   |   |   |   |   |                                    |
|-----------------------------------|---|---|---|---|---|------------------------------------|
| www.telegram.me/totoufan          |   |   |   | * |   | کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان) |
| facebook.com/hezbekar.toufan      |   |   |   |   | * | فیسبوک حزب کار ایران (توفان)       |
| twitter.com/toufanhezbkar         |   |   | * |   |   | تویتر حزب کار ایران (توفان)        |
| www.rahetoufan67.blogspot.de      | * |   |   |   |   | وبلاگ توفان قاسمی                  |
| www.kanonezi.blogspot.de          | * |   |   |   |   | وبلاگ ظفر سرخ                      |
| kargareagah.blogspot.de           | * |   |   |   |   | وبلاگ کارگر آگاه                   |
| www.toufan.org                    |   | * |   |   |   | تارنمای حزب کار ایران توفان        |
| www.toufan.de                     |   | * |   |   |   | تارنمای آزمایشی حزب                |
| <b>POSTBANK</b>                   |   |   |   |   |   |                                    |
| bank code 20110022                |   |   |   |   |   |                                    |
| bank account No.: 2573 3026 00    |   |   |   |   |   |                                    |
| IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00 |   |   |   |   |   |                                    |
| <b>P.O. BOX 1138</b>              |   |   |   |   |   |                                    |
| D64526 Mörfelden-Walldorf         |   |   |   |   |   |                                    |
| E-Mail: toufan@toufan.org         |   |   |   |   |   |                                    |
| Fax: 00496996580346               |   |   |   |   |   |                                    |